ما شاء الله لا قوة الا بالله

بسم الله الرحمن الرحيم

سبحان الله وبحمده زهی صانعی که از خاک و نطفه انسان را بوجود آورده لم یکن شیئا مذکورا و مظهر جلال و جمال خود و متصف بصفات کمال ساخته جعله سمیعا بصیرا و این همه ضعف و ناتوانی و جهل و نادانی بار امانت را که زمین و آسمان تاب تحمل آن نیاوردند متحمل ساخته ذلک علی الله یسیرا و هر یک را بجود راهنمونی فرموده اما شاکرا و اما کفورا نعمت و مؤدیان امانت جنات النعیم مرتب ساخته و اذا رأیت ثم رأیت نعیما و ملکا کبیرا و برای کافران که از نعیم مقیم و رب کریم روگردان گردند عذاب الیم مقرر ساخته سلاسلا و اغلالا و سعیرا و از کمال رأفت انبیا و رسل فرستاده مبشرا و نذیرا و تکمیل دین متین و تتمیم نعمت عظیم فرموده و بعثه خاتم النبیین سید المرسلین محمد صلی الله علیه وسلم و داعیا الی الله باذنه و سراجا منیرا اللهم صل وسلم و بارک علیه و علی جمیع الانبیاء والمرسلین و علی الملائکة المقربین و علی آله و اتباعه و اصحابه و احبائه الذین یوفون بالنذر و یخافون یوما کان شره مستطیرا

بعد از حمد و صلوة فقیر حقیر محمد ثناء الله عثمانی مجددی می نگارد که خوف و طمع از جناب الهی جالب جمیع [illegible] و ماحی جمیع سیئات است و اطلاع بر احوال قیامت مثمر این برکات لهذا این فقیر چند ورق [illegible] بزبان فارسی با انتخاب و اقتباس از بدور السافره تصنیف امام همام علامه شیخ جلال الدین بن شیخ کمال الدین

ابی بکر السیوطی رحمة الله علیه مینویسد تا عامهٔ مومنین ازان متمتع شوند و این عاصی را بدعای حسن خاتمه و مغفرت و لو
امداد و اعانت فرمایند وَاللهُ الْمُسْتَعَانُ وَعَلَيْهِ التُّكْلَانُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ

باب اول در علامات قیامت که پیش از وقوع آن بظهور آید

نوع اول در علامات صغری در صحیحین از انس بن مالک روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم علامت قیامت آنست که علم برداشته شود و جهل زیاده شود و زنا و شرب خمر بسیار باشد و زنان بسیار پیدا شوند و مردان کم تا آنکه به بست زن یک مرد قیم باشد و در صحیحین از عبد الله بن عمرو از انحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که علم از سینها یک دم محو نخواهد شد لیکن علما بمیرند و سرداران جاهل باشند بی علم حکم کنند گمراه شوند و گمراه کنند و احمد و غیره از زیاد بن لبید روایت کرده که گفتم یا رسول الله علم چگونه نابود شود ما قرآن میخوانیم و پسران خود را می آموزیم و آنها پسران خود را آموزند همچنان تا روز قیامت باشد آنحضرت فرمود من ترا از دانا ترین مردم مدینه میدانستم نمی بینی یهود و نصاری توریت و انجیل میخوانند و بران عمل نمیکنند و مسلم از جابر از انحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که دروغگویان بسیار باشند و بخاری از ابی هریره از انحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که کارها سپرده شوند کسان را که اهل آن نباشند و مسلم از ابی هریره از انحضرت آورده که مردم از کثرت بلا آرزوی موت کنند و ترمذی از ابی هریره آورده که انحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده وقتیکه مال غنیمت را سرداران دولت خود دانند و مردم امانت را غنیمت شمارند و زکوة را تاوان دانند و علم را برای دنیا آموزند و مرد فرمان برداری زن و نافرمانی مادر کند و یار را نزدیک و پدر را بعید کند و در مساجد آوازها بلند کنند و فاسقان رئیس قوم باشند و ارازل ضامن قوم باشند و از خوف بدی مردان را گرامی کرده شود و سرودها و معازف علانیه کرده شوند و خمر خورده شود و آخر امت اول امت را لعن کنند پس منتظر باشند در انوقت باد تند را که سرخ رنگ باشد و زلزله و خسف و مسخ و قذف و دیگر علامات قیامت پی بپی آیند چنانچه رشته گسسته شود و دانها که دران منتظم باشند فرو ریزند و ترمذی از علی رضی الله عنه این حدیث روایت کرده کم زیاده ازین و دران پوشیدن حریر هم گفته

فصل در ذکر محمد مهدی رضی الله عنه ترمذی و ابو داود از ابن مسعود از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
روایت کرده نخواهد رفت دنیا تا که مالک شود عرب را مردی از اہل بیت من که نام او نام من باشد
و نام پدرش نام پدر من زمین را از عدل پر کند یعنی از جور پر شده بود و ابو داود از علی رضی الله عنه
روایت کرده که بسوی حسن رضی الله عنه دید و گفت که این پسر من سید ست چنانچه رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم از صلب او مردی پیدا شود که نام او نام نبی شما باشد مشابه باشد آنحضرت را در خلق
نه در خلق ابو داود از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده در صفت مهدی کشاده پیشانی
بلند و باریک بینی و ابو داود از ام سلمه از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که با دشاهی در
آخر زمان مردی از اہل مدینه برآید و بسوی مکه گریخته رود و او را مردم برای خلافت برارند و او کاره باشد
و درمیان رکن و مقام با وی بیعت کنند پس لشکری از طرف شام بروی فرستاده شود پس آن لشکر
درمیان مکه و مدینه در زمین فرو رود و ابدال از شام و عصائب از عراق آمده با وی بیعت کنند
پس مردی از قریش برآید که اخوال او از بنی کلب باشند مهدی بر وی لشکر فرستد و بر وی غالب شوند
و مهدی بر سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم عمل کند و اسلام در وقت او آرام بگیرد و بعد سالها پادشاهی
کند پس بمیرد و مسلمانان بر وی نماز خوانند و در روایت مرفوعه از ابی سعید خدری نزد حاکم وارد شده
زمین را از عدل پر کند و اہل آسمان و زمین از و راضی باشند آسمان در باریدن و زمین در رویانیدن
کمی نکند مردم آرزو کنند و گویند درین وقت اگر مردگان ہم زنده بودندی خوش آسایش کردندی حد
در صحیحین ست که در آخر زمان خلیفه باشد که مال را بی شمار قسمت کند بهرو و مسلم از ابی ہریره روایت کرده از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم که قیامت قائم نشود تا که مال بسیار شود بحدیکه مرد زکوة برارد و نیابد کسی را که قبول زکوة کند
نوع دوم در علامات کبری مسلم از عبد الله بن عمر آورده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اول آیات
طلوع آفتاب از جانب مغرب باشد یا خروج دابة الارض وقت چاشت ہر یکی که ازینها باشد دوم
قریب آن ظاهر شود قال الله تعالی وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً
مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ۝

یعنی وقتیکه واقع شود حکم خدا بر مردم بقیام قیامت یعنی قیامت نزدیک رسد خارج کنیم برای
مردم دابة الارض که سخن گوید با مردم آنکه مردم بآیات ما یقین نمیداشتند و در قراءتی غیر متواتر تکلمهم
بفتح تا و سکون کاف و تخفیف لام آمده یعنی زخمی کند مردم را برای آنکه بآیات خدا یقین نداشتند
ابن عباس گفته که هر دو باشد با مسلمانان کلام کند و کافران را زخم رساند و در روایات صحیحه احادیث
اختلاف نیست در بعضی روایات آمده که روی او مثل روی انسان باشد صاحب لحیه و سائر بدن او
مثل پرنده باشد و در اکثر روایات آمده که چهارپایه باشد و در مکه از کوه صفا برآید ابن عباس در حج بر
کوه صفا عصا کوفت و گفت که دابة الارض آواز این کوفت می شنود و بسیار عظیم الجثه باشد ای کلان جسم ۱۲
عبد الله بن عمر گفته که سر او با بر رسد و پای او هنوز در زمین باشد و بغوی از ابی شریح انصاری از
آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که دابة الارض سه بار خارج شود اول در یمن ذکر او در صحرا باشد
و در مکه ذکر او نرسد باز در صحرا قریب مکه برآید و ذکر او در مکه رسد سوم بار در مکه برآید سر خود را از خاک افشانده
و بر مردم بگذرد بسرعتی که کسی از وی گریختن نتواند و سخن گوید مسلمان را یا مومن و کافر را گوید یا کافر و در روایتی
آمده که با وی عصای موسی و خاتم سلیمان باشد از عصای موسی بر پیشانی مومن نکته سفید نهد و لفظ مومن
نوشته شود و تمام روی او روشن شود مثل کوکب درخشان و کافر را نکته سیاه بخاتم سلیمان بر پیشانی
کند کافر نوشته شود و روی او سیاه شود و بعد از آن مردم بشناسند و در بازار بگویند ای مومن چند بخشید
سیهی و در بعضی روایات آمده که خروج دابة الارض بحضور عیسی باشد عیسی ع مسلمانان در طواف باشند
که زمین بلرزد و صفا شگافته شود و دابه برآید لیکن در صحیح مسلم آنست که اول آیات طلوع شمس از مغرب
و خروج دابه است چنانچه گذشت جلال الدین سیوطی گفته که بعد دابة الارض امر معروف و نهی منکر باقی نماند
و هیچ کافر بعد از آن ایمان نیارد و ترمذی از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم
فرموده قسم بکسی که جان من بدست اوست قیامت قائم نشود تا که سباع با آدمیان سخن گویند و دسته
تازیانه و شراک نعل کلام کند و ران مرد خبر دهد بچیزی که زن او بعد او کرده باشد و مسلم از حذیفه بن
اسید غفاری از رسول صلی الله علیه وسلم روایت کرده که قائم نشود قیامت تا که ده چیز پیش از آن

بظهور آیند دخان و دجال و دابة الارض و طلوع آفتاب از مغرب و نزول عیسی علیه السلام و یاجوج و ماجوج و سه خسف یکی در مشرق و دوم در مغرب سوم در جزیرهٔ عرب و آخر همه آتشی از زمین آید که مردم را بسوی محشر برد یعنی زمین شام و در روایتی دهم بادی تند وزد که مردم را در دریا افگند و مسلم از ابی ذر از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که طلوع آفتاب از مغرب و دجال و دابة الارض هرگاه ظاهر شود بعد از آن ایمان کافر و توبه مقبول نباشد و بغوی وغیره از حذیفه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که علامات قیامت اول دخان است و نزول عیسی علیه السلام و خروج آتشی از غار عدن که مردم را بسوی محشر برد حذیفه گفت یا رسول الله دخان چیست آنحضرت این آیه خواند فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ فرمود دخان از مشرق تا مغرب در گیرد و چهل شبانه روز باشد مسلمانان را مانند زکام رسد و کافران را حالت مستی روی دهد از بینی و گوش و دبر دخان بر آید و ابن مسعود این معنی انکار کرده در صحیح بخاری است که ابن مسعود گفته که چون قریش از آنحضرت کمال بدی کردند آن حضرت دعا کرد قحط بحدی شد که مردم استخوان خوردند و از شدت گرسنگی آنها را از زمین تا آسمان دخان بنظر می آمد لیکن بروایت حذیفه وغیره معلوم میشود که دخان هم از علامات قیامت باشد و به قال ابن عباس و ابن عمر و حسن بصری

فصل قصهٔ دجال از رسول صلی الله علیه و سلم در صحیحین وغیره آمده که چشم راست او کور باشد و در بعضی روایات چشم چپ و در میان هر دو چشم او کافر مرقوم باشد هر کس از مسلمانان خواند کاتب باشد یا نباشد جوان باشد ژولیده موی از میان عراق و شام بیرون آید هفتاد هزار کس از یهود اصفهان با وی باشند هر سو فساد کند چهل روز باشد یک روز برابر سال روز دوم برابر ماه روز سوم برابر هفته دیگر ایام مانند سائر ایام مردم پرسیدند یا رسول الله در آن روز که برابر سال باشد ما را نماز پنجگانه کفایت کند فرمود نه اندازه کرده میخوانده باشید و مثل باد تند در زمین سیر کند بر جماعتی آید که من پروردگار شما ام با من ایمان آرید آنها ایمان آرند پس آسمان را بگوید باران ببار و زمین را بگوید پس زراعت پیدا شود و مواشی آنجماعه فربه و شیردار شود و بر قومی دیگر بگذرد و آنها را همچنان گوید

پس منتشر باشی روزی باکه بار و آسمان دودی ظاهر که فرو گیرد مردمان را این عذاب دردناک است ۱۲

۲ و همین قائل است عبد الله بن عباس و عبد الله بن عمر و حسن بصری رضی الله تعالی عنهم اجمعین ۱۲

۳ یعنی بر زمین چهل روز باشد ۱۲

آنها سخن او را رد کنند پس مالهای شان هلاک شود و بر زمین خرابه بگذرد و بگوید که خزانهای خود بیرون آر که
خزانهای زمین همراه وی او کنند مردی مسلمان پیش او آید پیشروان او گویند کجا میروی گوید بسوی
این شخص که برآمده است آنها گویند که تو با پروردگار ما ایمان نداری گوید پروردگار ما پوشیده نیست
گویند این را بکشید پس بعضی بعضی را گویند که پروردگار شما منع کرده است که بدون حضور من کسی را
نکشید پس او را حضور او برند چون مرد مومن او را ببیند گوید این دجالست که رسول صلی الله علیه وسلم
ازان خبر داده بود پس دجال گوید این را بگیرید و بزنید او را بگیرند و بزنند و بگوید که ایمان من آر او گوید
که تو مسیح دجال هستی آنزمان امر کند که او را از سر تا قدم از اره دو پاره کنند و خود از میان هر دو قطعه
بگذرد پس تر او را بگوید که برخیز او زنده شود و برخیزد پس گوید که حالا ایمان من می آری مومن گوید که حالا
زیاده تر تر او دانستم که تو دجال هستی مومن گوید که ای مردمان حالا همچنین با کسی نخواهد کرد پس تر او را دجال
بگیرد و خواهد که ذبح کند حق تعالی گردن او از مس گرداند کارد کار نکند پس دست و پایش گرفته بر تابد مردم
دانند که بسوی آتش بر تافته است و او بسوی جنت انداخته شود رسول الله صلی الله علیه وسلم
فرمود که آنکس بزرگتر باشد در شهادت نزد خدا و با دجال صورت جنت و نار باشد چیزی را که مردم جنت
دانند جهنم ست و چیزی را که جهنم دانند جنت ست و در روایتی از روایات مذکوره در صحیح مسلم آمده
که دجال شخصی را طلب کند که جوانی در وی کامل باشد او را شمشیر زند و دو قطعه کند پس تر او را بخواند
و او برخاسته بیاید آنزمان بخندد و خوش شود و درهمان حال عیسی علیه السلام هر دو دست بر
بازوهای دو فرشته نهاده بر مناره سفید شرقی دمشق فرود آید در حالیکه چون سر فرو کند قطرها
از سرش افتد و چون سر بالا کند ازان مثل دانهای مروارید فرو ریزد کافر اگر بسوی او رسد میرد و
دمش رسد جائیکه نظر او رسد پس در پی دجال شود و او را نزد باب لد که دهیست نزدیک بیت المقدس
دریابد و او را بکشد پس مسلمانان که از دجال محفوظ مانده بودند با عیسی جمع شوند و عیسی بر انها
شفقت فرماید و بدرجات بهشت بشارت دهد پس ناگاه حق تعالی بسوی عیسی وحی کند که برآوردم
از بندگان خود بندگانی که کسی قدرت جنگ با آنها ندارد نگاهدار بندگان مرا بسوی طور پس حق تعالی

یاجوج و ماجوج را فرستد که از هر بلندی به پستی می آیند پس پیشروان آنها بر دریای طبریه بگذرند
تمام آب آنرا بنوشند چون پس آیندگان آنها آنجا بگذرند بگویند که اینجا گاهی آب باشد پس سیر کنند
آنها تا که رسند بجبل خمر که کوهی ست نزد بیت المقدس پس بگویند که اهل زمین را کشتیم باشد که اهل آسمان را
بکشیم پس تیر بسوی آسمان اندازند حق سبحانه تعالی تیرهای شان را پر خون بازگرداند و نبی الله عیسی
علیه السلام و یاران او محصور باشند تا آنکه کله گاو نزد آنها بهتر باشد از صد دینار نزد شما پس
(یعنی سر گاو)
روی آرند نبی الله و یاران او بدعا بسوی خدا پس حق تعالی کرمی در گردنهای آنها پیدا کند پس همه آنها
بمیرند پس عیسی و یاران او از طور بسوی زمین فرود آیند و یک وجب زمین از مردار و بدبوی یاجوج ماجوج
خالی نیابند باز عیسی و یاران او بجناب الهی دعا کنند حق تعالی جانوران چند بفرستد که گردنهای آنها
مثل شتران بختی باشد آنهارا برداشته جائیکه خدا خواهد بیندازند و کمانهای و تیرهای و ترکشهای شان
آنقدر باقی ماند که تا هفت سال مسلمانان میسوخته باشند پس حق تعالی باران بفرستد که هیچ خانه از خشت
یا پارچه و پشم پناه ازان باران نتواند کرد پس تمام زمین را بشوید تا که صاف شود مثل آیینه پس
بفرماید حق تعالی زمین را که ثمرها رویاند و برکت باز دهد پس دران روز یک انار آنقدر باشد که جماعتی
بخورد و از پوست آن سایه کند و در مواشی آنقدر برکت شود که یک شتر ماده شیردار کفایت کند
جماعات کثیره را و گاو ماده شیردار یک قبیله کلان را و بز ماده شیردار کفایت کند قبیله خورد را
همچنین باشند تا آنکه حق تعالی باد پاکیزه بفرستد و مردم را از زیر بغلها بگیرد ازان باد همه مسلمانان
بمیرند و کفار باقی مانند باهم اختلاط کنند مثل خران بر انها قیامت قائم شود و در صحیحین آمده که دجال
از مشرق بقصد مدینه آید و پس کوه احد فرود آید حق تعالی او را از دخول مدینه محروم داشته ملائکه
روی او را بسوی شام گردانند و آنجا هلاک شود و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که هر که دجال را
دریابد آیات اول سوره کهف بخواند از شر او ایمن باشد و بیهقی از ابی هریره روایت کرده که
دجال بر خر باشد میان دو گوش آن خر هفتاد باع فاصله باشد باع مقدار قد آدم ست و در
صحیح مسلم قصه تمیم داری ست ازان معلوم می شود که دجال موجود ست محبوس ست

در جزیرهٔ دریای شام یا دریای یمن و دخول مکه و مدینه دجال را میسر نه شود

فصل در صحیحین از ابی هریره مرویست که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قریب است که فرود آید عیسی بن مریم حاکم عادل بشکند صلیب را که نصاری آنرا می پرستند و بکشد خوکان را یعنی حرام کند خوردن آن موافق شرع محمدی و جزیه بلند نهد بر نصاری و غیره کفار از ینجا معلوم میشود که نصاری بر کفر خود باشند و بعیسی گرویده نشوند و مال بسیار تقسیم کند تا آنکه کسی قبول نکند و یک سجده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و ما فیها و مسلم زیاده کرده که شتر ماده جوان را گذاشته شود کسی بر وی سعی نکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده که چون عیسی نازل شود امیر آنوقت بگوید که شما امامت کنید و نماز کنانید بگوید بعضی شما بر بعضی امیر باشد برای اکرام این امت و ابن جوزی از عبدالله بن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که عیسی نازل شود و نکاح کند و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج سال باشد پس بمیرد و با من در قبر من دفن کرده شود و روز قیامت من و عیسی برخیزیم در میان ابی بکر و عمر لیکن در صحیح مسلم از عبدالله بن عمرو از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست که بودن عیسی بر زمین چهل و پنج سال است از انجمله سی و هشت سال پیش از رفتن بسوی آسمان و هفت سال بعد نزول

فصل از ابی هریره در صحیحین مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که پیش از قیامت فرات گنجی بیرون دهد از زر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که نگیرد از ان و در روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که فرات کوهی از زر بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه از صد کس نود و نه کشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و نیز مسلم از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قی کند زمین جگر گوشهای خود را مانند ستون ها از زر و نقره پس قاتل بیاید و حسرت کند و بگوید که برای این مال قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم کرده بودم و دزد بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آنرا

تغییر و این هر دو حدیث بر ازمنهٔ مختلفه حمل کرده شود شاید که در ابتدا برای گرفتن مال قتال کنند و آخر کار کسی
قبول نکند والله اعلم و مسلم از عبد الله بن مسعود و انس و غیرهما روایت کرده که قیامت نخواهد شد
مگر بر بدترین خلق تا کسی در زمین الله الله نگوید بعد وفات عیسیٰ مسلمانان از بادی لطیف بمیرند و مردم معروف
و منکر را نشناسند و شیطان متمثل شود و به بت پرستی دلالت کند و لات و عزّی و ذو الخلصه را پرستند
آن زمان نفخ صور شود و هر که بشنود کج کند گردن را پس بمیرند والله اعلم نفخهٔ اول ست که از آن بمیرند و در
حدیثی آمده که نفخهٔ اول نفخهٔ فزع ست که از آن نفخه اهل آسمان و زمین در فزع و دهشت آیند از آن نفخه کوهها
بپرند و مثل ریگ شده بریزند و زمین در لغزش آید چنانچه کشتی در دریا میلرزد و مردم از لغزش زمین
مضطرب شوند و زمین خزائن و مردگان را که در زمین باشند بیرون افگند و زنان باردار اسقاط حمل
کنند و بچگان و جوانان پیر و ضعیف شوند و شیاطین از هول بگریزند بسوی اقطار زمین پس ملائکه
روهای شان را بزنند و بازگردانند و مردم بگریزند و بعضی بعضی را ندا کنند آن زمان زمین بشگافد و آسمان
مانند روغن سیاه شود و پس بشگافد و ستارگان بریزند و شمس و قمر بی نور شوند این همه عذاب بر شرار
خلق باشد و مردگان را از این خبر نباشد بهمین حال چندی باشند پس تر حکم شود اسرافیل را که باز در
صور بدمد در آن دم همه بمیرند از انس و جن و شیاطین بعده ملائکه بمیرند تا که باقی نماند مگر جبرئیل و میکائیل
و اسرافیل و عزرائیل و حملهٔ عرش پس تر حکم شود جبرئیل و میکائیل بمیرند پس تر حاملان عرش بمیرند
و عرش را حکم شود صور را از اسرافیل بگیرد و اسرافیل بمیرد حق تعالی بفرماید
لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ کسی جواب دهنده نباشد خود بگوید لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

باب دوم در احوال روز بعث و نشور که پنجاه هزار ساله باشد تا دخول جنت و نار

بعد نفخهٔ ثانیه یا اولی علی اختلاف الروایتین چون چهل سال بگذرند باران از عرش فرو ریزد بر زمین تا چهل روز
تا که آب بالای زمین دوازده گز شود و از آن آب حق تعالی اجساد مردگان را بر دیاند چنانچه سبزه
از زمین میروید چون جسدهای آدمیان کامل شود چنانچه بودند حق تعالی زمینی دیگر از نقره پیدا کند.

ف ۱ وزودی یعنی دردی شراب و روغن
فی القرآن فکانت وردة کالدهان یعنی آسمان در رنگ سرخ زنگ گردد مثل درد روغن و غیره
...مثل دوم سرخ ...
ف ۲ بجای کسیست
... بجای امروز
ف ۳ بجای فضای ...

آسمانی دیگر از زر پیدا کند و مردگان را ازین زمین آن زمین اندازد بر پشت زمین و در شکم زمین پستر
حق تعالی اول حاملان عرش را زنده کند پستر حق تعالی اسرافیل را زنده کند او صور از عرش گیرد و
بر لب نهد پستر جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان را زنده کند و ارواح را طلب فرماید ارواح مومنان
بنور ایمان تابان و درخشان و ارواح کافران بظلمت کفر و معاصی سیاه همه را حق تعالی در صور اندازد
پس بحکم خدا اسرافیل صور بدمد ارواح باین نفخه که دوم باشد یا سوم مانند نحل از صور برآیند و بحکم الهی
هر یک روح در جسد خود داخل شود از راه بینی و زمین بشگافد و مردگان از زمین برآیند رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم اول کسی که از زمین برآید من باشم پستر همه مومنان از قبور برآیند مومنان وقت برخاستن گویند
الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور و کافران وقت برخاستن
گویند یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن وصدق المرسلون
هر جماعتی برانگیخته شود با اهل عمل خود صالحان با صالحان و فاسقان با فاسقان و کافران با کافران رسول
فرمود صلی الله علیه وسلم مبعوث کرده شوم من روز قیامت در میان ابوبکر و عمر پس برآیم بسوی
بقیع پس مردم بقیع با من جمع شوند پستر بیایند بسوی من اهل مکه و مدینه و هر کس حشر کرده شود بر عملی که
نام مقبره بمدینه شریفه ۱۲
بران مرده باشد شهیدان چون مبعوث شوند از زخمهای شان خون برآید که در رنگ مثل خون و بوی آن بوی
مشک باشد و هر که در حج مرده تلبیه گویان برخیزد و هر که در شراب خواری مرده در مستی برخیزد و همچنین صاحب
هر عمل نیک یا بد در صحیحین آمده که همه کسان برهنه غیر مختون برخیزند اول کسی که پوشانیده شود ابراهیم
علیه السلام باشد که دو پارچه سفید نفیس از بهشت پوشانیده شود پستر رسول کریم صلی الله علیه
وسلم به بهتر ازان پستر دیگر رسل و انبیا پستر پوشانیده شوند مومنان و در بعضی احادیث آمده که مردگان
در همان پارچه که مدفون شده اند برانگیخته شوند و بعضی گویند که آن شهیدان باشند که در پارچه شهادت
مدفون شده بودند و شاید که همه مردگان در پارچه خود مبعوث شوند پستر آن پارچه دور شود و برهنه
گردند پستر هر یک موافق عمل او پوشانیده شود و بعضی گویند مراد از پارچه اعمال صالحه است حق تعالی
میفرماید و لباس التقوی ذلک خیر پستر رسول صلی الله علیه وسلم بر براق سوار شود و

وهمچنین بر ناقه رسول کریم سوار شوند پیغمبر متقیان را بر ناقه‌های بهشت یا بر شتربانهای طلا و مهار یاقوت
سوار کرده بحشر برده شوند و فاسقان را پیاده پا برند و کافران را بر رویهای شان کشیده برند و در
حدیثی آمده که هرگاه مردم از قبور بر آیند عمل او بر صورت انسانی با وی ملاقات کند عمل مسلمان که
نیکترین صورت و خوشترین بو بود بگوید مومن را که مرا می‌شناسی گوید نمی‌شناسم مگر آنکه حق تعالی چه
خوش داده است ترا صورت و بو بگوید که همچنین بودی تو در دنیا من عمل صالح توام در دنیا بسیار
بر پشت تو سواری کرده‌ام حالا تو بر من سوار شو یَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْدًا
کنایه از آن است و عمل کافر به بدترین صورت و بدترین بو با وی ملاقات کند و بگوید که مرا می‌شناسی
گوید نمی‌شناسم لیکن چه بد کرده است حق تعالی صورت تو و بوی تو بگوید همچنین بودی تو در دنیا
من عمل بد توام بسیار سواری کردی تو بر من اکنون من بر تو سوار میشوم وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ
عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ عبارت از آن است و چون از قبور روان شوند فرشتگان نویسندگان نیکی و بدی
همراه باشند و شاهد باشند بر اینها مسلمانان را گویند لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ
الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ یعنی خوف مکن و غم مخور و خوش باش بهشت که حق تعالی ترا وعده کرده بود
کافران و فاسقان بر صورتهای زبون باشند نابینا و بعضی بر صورت خوک یا سگ یا بوزنه
مانند آن باشند و ربا خواران مانند دیوزدگان استادن نتوانند و آنانکه مال یتیمان بظلم خورده باشند
چون از قبور برخیزند شعله آتش از دهان شان برآید قال الله تعالی إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا
متکبران بر صورت مورچها باشند هر کس آنها را پایمال کند و هر که بدون حاجت سوال کند چون
از قبر برخیزد بر روی او مضغه گوشت نباشد هر که بر قتل مسلمان به نیم کلمه تکلم کند نوشته شود بر پیشانی او
ناامید از رحمت خدا هر که بجانب کعبه بزاق انداخته بزاق او بر روی او باشد هر که دو زن داشته باشد
و عدل نکند روز قیامت یک پهلوی او افتاده باشد هر که در دنیا دو زبان باشد او را حق تعالی دو زبان دهد
از آتش هر که مقدار یک وجب زمین غصب کرده باشد حق تعالی آن زمین را تا هفت طبقه طوق در گردن
سازد همچنین اگر کسی از راه مسلمانان گرفته باشد هر که از مال غنیمت شتر یا اسپ یا بز یا دیگر مال

خیانت کرده باشد آن مال را حق تعالی بر گردنش سوار گرداند هر که زیاده از حاجت عمارت کرده باشد تکلیف داده شود که این عمارت را بر دوش خود بردار هر که زکات مال نداده باشد زر و سیم او را بآتش دوزخ گرم کرده او را داغ داده شود و شتران و گاوان و گوسفندان را اگر زکات نداده باشد آن جانوران تا پنجاه هزار سال بروی بگذرند و او را پایمال نمایند هر که حاکم باشد اگرچه بر ده کس حکم رانده باشد آورده شود او را دست او بگردنش بسته اگر نکوئی و عدل کرده باشد خلاصی یابد و اگر بدی و ظلم کرده باشد طوق بگردنش کرده شود هر که از مسئله سوال کرده شود و او جواب مسئله میداند و پوشیده دارد او را از آتش لگام داده شود و هر که در قرآن بغیر علم چیزی بگوید او را هم از آتش لگام داده شود و اسلام و قرآن و اعمال صالحه شفاعت کنند و در ثواب قاریان قرآن مادر و پدر شان را حلها پوشانیده شود و تاج بر سر نهاده شود رسول فرمود صلی الله علیه وسلم از آتش سپر بگیرید بگوئید سبحان الله الحمد لله لا اله الا الله الله اکبر ابن ابی الدنیا از ابن عباس روایت کرده که روز قیامت دنیا را بر صورت پیرزنی سفید مو ازرق چشم کریه المنظر آورده شود او را خلائق بینند و گفته شود که این را میشناسید مردم گویند نعوذ بالله من معرفة هذه گفته شود که این دنیاست که بدان تفاخر میکردید و باهم حسد و قطع رحم مینمودید و بغض میکردید پس او را در دوزخ انداخته شود پس بگوید ای پروردگار اتباع و پیروان من کجا هستند حکم شود که اتباع و پیروان او را نیز با وی بینداز ند مشهور بروز حشر شود هیچ روز معلوست چه که با کرباخته عشق در شب هجر بود و بیهقی از عباده بن الصامت و عمرو بن عبسه روایت کرده که دنیا را آورده شود و آنچه در دنیا برای خداست آنرا جدا کرده شود و آنچه برای غیر خداست در آتش انداخته شود و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود سه چیز زیر عرش باشند قرآن و امانت و رحم و شفاعت کنند رحم گوید هر که وصل کرده الٰهی با وی وصل کن و هر که قطع کرده الٰهی از وی قطع کن و در احادیث آمده که اسلام و اعمال و قرآن و امانت و رحم و ایام دنیا و موت و مانند آن بصورت اعیان محشور شوند بعضی علما تاویل میکنند و میگویند که از اعمال نیک صورتهای خوب و از اعمال بد صورتهای قبیح پیدا کنند و در میزان نهند و اصحاب کشف این همه احادیث را بر صورت مثالیه حمل میکنند لیکن ایمان بدان باید آورد و جزم بچیزی از آن تاویلات نتوان کرد و بحث از آن نباید نمود

فصل در ذکر کوثر چون مردم از قبور بر آیند تشنگی بر انها غالب باشد و هر پیغمبر را در انروز حوضی باشد و هر امتی را علامتی باشد که نبی شان ازان علامت امت خود را بشناسد و سید الرسل صلی الله علیه و سلم را حوضی باشد بنام کوثر بمعنی خیر کثیر طول و عرض آن یکیا همه راه باشد آب آن سفید تر از شیر و شیرین تر از عسل و سرد تر از برف و خوشبو تر از مشک و بران آب کوزها باشند مانند ستارگان و زمین او از یاقوت و مرجان و زمرد باشد و دران دو میزاب از بهشت افتند و علامت امت آنسرور صلی الله علیه و سلم آن باشد که روشن باشند اعضای وضو از ایشان و علی بن ابی طالب رضی الله عنه ساقی باشد هر کرا ازان آب داد آنکس باز تشنه نشود و بعضی علما گویند که ورود بر حوض بعد گذشتن از صراط باشد و بعضی پیش از حساب گویند و ظاهر آنست که بعضی کسان را وقت برخاستن از قبور داده شود و بعضی را بسبب معاصی در انوقت آب نداده شود بعد خلاصی از دوزخ پیش از دخول جنت داده شود تشنگی برداشتن در صوم سبب خوردن آب کوثر باشد مشرکان را آب کوثر نصیب نیست و علما گفته اند که اهل هوا یعنی روافض و خوارج و معتزله و مانند شان نیز از آب کوثر محروم باشند و اهل کبائر را بعد خلاصی از دوزخ آب کوثر رسد

فصل چون مردم بمحشر جمع شوند دوزخ را آورده شود هفتاد هزار باگ بر هر باگ هفتاد هزار فرشته وقتیکه دوزخ بر صد ساله راه از خلائق باشد بجنبد و حمله کند بقسمی که انبیا و ملائکه از خوف وی بزانو افتند و نفسی نفسی گویند و رسول کریم صلی الله علیه و سلم امتی امتی گوید حق تعالی فرماید اَوْلِیَائِیْ مِنْ اُمَّتِكَ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ سرد خواهم کرد چشم ترا در حق امت تو یا محمد و آفتاب نزدیک شود دران روز بقدر یک میل و حرارت او زیاده کرده شود و مردم در عرق غرق شوند بقدر گناهان شان بعضی تا شتالنگ و بعضی تا زانو و بعضی تا کمر و بعضی تا دهن علما گفته اند که این از خوارق آنروزست که در زمین برابر متفاوت در عرق غرق شوند و دران روز سایهٔ اعمال صالحه باشد بسبب اعمال صالحه و دوام ذکر خدا و عدالت حاکمان و رحم بر ضعیفان و ترسیدن از خدا و تعلم قرآن و محبت داشتن با صالحان خالصاً لله و حسن اخلاق و صلهٔ رحم و مانند آن در سایهٔ عرش خدا باشد

له دوستان من از امت تو نه ترس باشد برایشان و نه اندوهگین شوند ۱۲

کسانیکه خالصا لله نه بواسطهٔ قرابت و مانند آن باهم دوستی کنند و مردم را دوستی خدا دهند و باخدا
دوست سازند دران روز آنها را حق تعالی بر منبرهای نور نشاند که انبیا و شهدا ازان غبطه کنند و کسانیکه علم دینی
بمردم آموزند آنها را حق تعالی بر منبرهای زر زیر قبهها از سیم بنشاند که مرصع باشد بمروارید و یاقوت و پوشش
آن قبهها از سندس و استبرق باشد چون درانروز مردم در عرصات در عرق غرق و محبوس باشند و از
طول انتظار آرزو کنند که ازان مقام رهائی یابند اگرچه بدوزخ روند آنزمان شفیع طلب کنند اول از آدم پستر از نوح
پستر از ابراهیم پستر از موسیٰ پستر از عیسیٰ شفاعت خواهند کسی ازانها در خود قدرت شفاعت نیابد آنگاه
پیش سرور کائنات رجوع نمایند آنحضرت بشفاعت برخیزد و پیش عرش مجید آمده سر بسجده نهد آنگاه
فرشته بیاید و بگوید یا محمد چه میخواهی آنحضرت بگوید یارب وعده کرده بودی بمن بقبول شفاعت شفاعت من
قبول کن و درمیان خلائق قضا کن حکم شود که شفاعت تو قبول کردم و برای قضا می آیم رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم پس همراه مردم بایستم ناگاه آواز فرود آمدن شنوم اهل آسمان بپایین فرود آیند و زمین از انها پر شود
از جن و انس که در زمین باشند از همه شان افزود باشند و صف بسته بایستند پستر اهل آسمان دوم
بسیار زیاده از اهل زمین و اهل آسمان اول پستر اهل آسمان سوم زیاده ازو همچنین جمیع اهل آسمانها فرود آیند
هر یک زیاده از ماسبق پستر حق تعالی نزول فرماید فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ مراد از نزول والله اعلم
نحوی از تجلی باشد پس حق تعالی در جانوران حکم بقصاص فرماید هر بی شاخ از شاخدار عوض گیرد و اگر
انسانی عصفوری را عبث بکشد عصفور فریاد کند یارب این شخص مرا بی فائده کشت نخورد و
نه منفعت گرفت و نه زنده گذاشت در زمین تو رسول فرمود صلی الله علیه وسلم زنی بسبب گربه
در دوزخ رفت او را بسته داشت و طعام نداد و نه واگذاشت تا از حشرات زمین بخورد و شخصی
شتری را علف نداد آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که این شتر با تو روز قیامت خصومت
خواهد کرد چون قصاص جانوران تمام شود حق تعالی بفرماید که خاک شوید همه خاک شوند کافر گوید کاشکی من
هم خاک میشدم پس حق تعالی نوح علیه السلام را طلب کند و بفرماید که پیام من بخلق رسانیدی گوید
رسانیدم امت او را طلب کند و گوید که نوح پیام من بشما رسانیده آنها انکار کنند همچنین از دیگر انبیا

وامتان شان سوال کنند کافران منکر شوند حق تعالی از انبیا شهود طلب کند گویند امت محمد صلی الله علیه وسلم
شاهد ماست امت محمد صلی الله علیه وسلم را طلب کند ایشان شهادت دهند که انبیا راست میگویند گفته
که شما از چه دانستید گویند که پیغمبر ما کتابی از تو آورد و خبر داد که انبیا تبلیغ کردند حق تعالی بفرماید که راست
گفتید پیغمبر ما صلی الله علیه وسلم گواهی دهد بصدق امت خود رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که سه عرض
شود بروز قیامت اول آنکه کفار جدال کنند یعنی انکار کنند از کفر دوم حق تعالی بر آدم و دیگر انبیا
علیهم السلام عذر تعذیب آنها ظاهر کند و حجت بر ایشان قائم کند سوم آنکه نامه اعمال هر یک بدست هر یک آید
آنحضرت صلی الله علیه وسلم میفرماید که نامه اعمال همه زیر عرش باشند حق تعالی بادی بر انگیزد که نامه اعمال
هر یک پریده بدست او افتد مومنان را در دست راست کافران را در دست چپ از پس پشت اول سطر
آن باشد اِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا یعنی بخوان نامه اعمال خود را
کفایت میکند نفس تو بر تو حساب کننده و در حدیث آمده که خوشی ست کسی را که در نامه او استغفار بسیار باشد
و اعضا بی لسان بروی شهادت دهند بر اعمال او و مکانها و زمانها بروی شهادت دهند آنگاه
آدم علیه السلام را حکم شود که از اولاد خود برای دوزخ جدا کن گوید چه قدر حکم شود که از هزار کس یکی
بهشت و نه صد و نود و نه بدوزخ و میزان قائم کند حق تعالی تا نیکی و بدی مردمان را در آن سنجند
میزانی ذو لسان باشد آنچه در دست میگیرند و دو پله باشد بقسمیکه اگر آسمانها و زمینها در آن سنجیده شود
گنجایش دارد صاحب میزان جبرئیل علیه السلام باشد کافران را در میزان مطلقا وزن نباشد
حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ در حق شان ست در صحیحین از ابی هریره مروی ست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
آنکه آورده شود مردی فربه و تازه و او را بقدر پر پشه وزن نباشد و این آیت خواند فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا و در حدیثی دیگر آمده که جزای حسنات کفار در دنیا داده شود و برای آخرت
او را هیچ حسنه باقی نماند و مومنان را حسنات در یک پله ترازو نهاده شود و سیئات در پله دوم پس
اگر سیئات از حسنات زیاده باشد اگر حق تعالی خواهد بخشد و اگر خواهد عذاب کند و اگر از سیئات
یک حسنه هم زیاده شود آن حسنه را حق تعالی فراخ کند و او را بهشت برد بزار و بیهقی از انس

روایت کرده که آنحضرت فرموده صلی الله علیه وسلم که چون ابن آدم سنجیده شود اگر میزان او ثقیل شود فرشته ندا کند همه خلق بشنوند این شخص نیک بخت شد بدبخت هرگز نخواهد شد و اگر میزان او سبک شود بگوید که این کس بدبخت شد هرگز نیک بخت نخواهد شد در احادیث آمده سُبْحَانَ اللهِ نصف میزان وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ پری میزان است وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ راجح ترست از جمیع خلائق وَاللهُ اَکْبَرُ همچنین و ولد صالح که سنی بمیرد و صبر کند و درود بر رسول صلی الله علیه وسلم فرستد و دیگر حسنات موجب ثقل میزان اند و ذهبی از عمران بن حصین از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که سیاهی علما با خون شهیدان روز قیامت وزن کرده خواهد شد سیاهی علما از خون شهیدان افضل باشد و از حماد و ابراهیم نخعی مرویست که مردی را روز قیامت در میزان حسنات کم دیده شود ناگاه مثل ابرها در میزان او آیند گفته شود این چیست گفته شود که این آنست که مردم را علم آموخته و این چیز از و جاری مانده و از ابی الدرداء مرویست که هر که را همت شکم و فرج باشد میزان او ناقص باشد و چون مردم بمحشر جمع شوند و کفار از مومنین ممتاز گردند و دوزخ محیط محشر باشد گردنی از آتش دوزخ برآید خزنه دوزخ او را بکشند او بگوید قسم بعزت پروردگار من بگذارید مرا با ازواج من گویند ازواج تو کیستند گوید هر متکبر جبار نافرمان پس برچیند آنها را چنانچه مرغ دانه می چیند و در شکم خود کند و باز همچنین کند و بگوید بگذارید مرا با ازواج من بگویند کیستند ازواج تو گوید کُلُّ خَتَّارٍ کَفُوْرٍ یعنی عهد شکن ناسپاس آنها را بچیند و در شکم گیرد باز مرتبه سوم همچنین کند و گوید بگذارید مرا با ازواج من گویند آنها کیستند گوید کُلُّ مُخْتَالٍ فَخُوْرٍ یعنی معجب خود پسند فخر کننده و در حدیثی آمده که گردنی از آتش برآید که آن را دو چشم باشند و زبانی فصیح و بگوید که من گرده شده ام برای کسی که با الله معبود دیگر گیرد و هر جبار عناد کننده ناحق و بکسی که قتل کرده باشد نفسی را بغیر نفس پس آنها را بچیند پیش از دیگر آدمیان بپانصد سال و ابن مرجان در ارشاد گفته که چون آدم را حکم شود بفرستادن آدمیان بدوزخ هفت قسم از دوزخیان باشند دو قسم را گردنی از دوزخ برآید و برچیند چنانچه کبوتر دانه می چیند اول آنکسان باشند که کافر باشند بخدا از راه تکبر و انکار دوم آن قسم باشند که کافر باشند

بخدا از راه جهل و غفلت بستر گفته شود که هر کس که با خدا دیگری را پرستش کرده است با معبود خود شود آفتاب پرستان
پیروی آفتاب و آتش پرستان پیروی آتش و بت پرستان پیروی بتان کنند و آنها با معبودان
خود داخل دوزخ گردند و گویند لَوْ كَانَ هٰؤُلَاءِ اٰلِهَةً مَّا وَرَدُوْهَا یعنی اگر اینها معبود بحق بودی
داخل دوزخ نشدی بستر جماعه چهارم آن باشند که خدا را یکی میدانند و انبیا را تکذیب میکنند
در صفات الهی براه جهل رفتند چنانچه کفار یونان بستر قسم خامس و سادس یهود و نصاری باشند
در محشر تشنه لب باشند گفته شود چه حال دارید گویند تشنه ایم ما را آب دهید گفته شود و بسوی سراب
واشاره کرده شود بدوزخ و دوزخ بصورت سراب آنها را بنظر آید دران افتند و بروایتی آمده
که چون عابدان پیروی معبودان کنند یک فرشته بصورت عیسی برای نصاری و یک فرشته بصورت
عزیر برای یهود ظاهر شود و آنها پیروی او کنند و آنها را بدوزخ رساند فقیر گوید ظاهرا از یهود و
نصاری کسیکه پرستش عیسی و عزیر کرده در فرقه رابعه داخل دوزخ شوند و کسی که عیسی و عزیر را
رسول دانستند و پرستش آنها نکردند و بسبب انکار نبوت محمد صلی الله علیه وسلم کافر شدند آنها
در فرقه خامسه و سادسه داخل دوزخ شوند چون باقی نمانند مگر مومنان و در میان شان منافقان باشند
حق تعالی ظهور کند و بفرماید مردم پیروی معبودان خود کردند شما هم پیروی معبود خود کنید آنها گویند
والله که ماسوای خدا دیگر کسی را عبادت نکرده ایم حق تعالی بگوید که من پروردگار شما ام بگویند
که منتظریم ما که حق تعالی را بعلامتی که میشناسیم ببینیم آنزمان حق تعالی تجلی کند بنهجی که ازان تعبیر فرموده
يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَّيُدْعَوْنَ اِلَى السُّجُوْدِ و حکم کرده شود بسجود و مومنان مخلص بسجود روند
و منافقان را پشتها مثل شاخهای گاو سخت شوند و برپشت افتند و سجود نتوانند کرد و در دوزخ
انداخته شوند پس مسلمانان سوال کرده شوند و حساب کرده شوند و اعمال شان را در میزان عدل سنجیده شود
اول سوال کرده شود از خونریزیها مقتول گوید یارب ازین بپرس که مرا چرا کشته حق تعالی بپرسد
حال آنکه او داناترست غازی فی سبیل الله گوید که قتل کردم این را تا که عزت ترا باشد حق تعالی فرماید
راست گفتی و روی او را حق تعالی مثل آفتاب کند و فرشتگان متابعت او کنند و به بهشت رسانند

همراهی کردن ۱۲

دیگر قائل گوید کشتم او را تا که عزت مرا باشد حق تعالی فرماید هلاک شدی تو فرستاده شود بدوزخ پستر در
دیگر مظالم حکم بعوض کرده شود تا آنکه کسی که در شیر آب انداخته فروخته است تکلیف داده شود که شیر را از
آب جدا کن و سوال کرده شوند مردم از صحت بدن و سمع و بصر و دیگر نعمتها که کجا صرف کردید و سوال کرده شوند
از علم که بران عمل کردند یا نه و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم علم را پوشیده ندارید خیانت در علم سخت تر است
از خیانت در مال حق تعالی از ان سوال خواهد کرد فرموده که مرد از جاه و مرتبه سوال کرده خواهد شد چنانچه از مال سوال
کرده خواهد شد و از ازواج و از اموال و ممالیک و چون سوال کرده خواهد شد از اعمال اول از نماز سوال کرده خواهد شد
و نماز را وزن کرده خواهد شد نماز را عند الله وزن است اگر دران نقصان خواهد بود فرائض را بنوافل جبر نقصان
کرده خواهد شد پستر در زکات پستر دیگر اعمال در حدیث آمده اول در نماز نظر کرده خواهد شد اگر نماز بدرجه قبول رسید
در دیگر اعمال نظر کرده شود و هر که امامت کند قومی را باید که از خدا بترسد و بداند که او ضامن است اگر بخوبی امامت کرد
او را ثواب باشد مثل ثواب ایشان و هرچه نقصان کند بر گردن وی باشد و از سه چیز سوال نکرده خواهد شد
از پارچه که بدان ستر عورت کند و از پارچه نان که گرسنگی دفع کند و خانه بقدر یکه از گرمی و سردی پناه کند
و سوال کرده خواهد شد از انکه با که دوستی کردی و با که نکردی و با که دشمنی کردی و با که نکردی حق تعالی
خواهد فرمود هر که با دوستان من دوستی نکند و با دشمنان من دشمنی نکند او را رحمت من نرسد از بادشاهان
و قاضیان و حاکمان و سرداران سوال کرده خواهد شد از عدل و حسن سلوک با رعیت و از زنان که در مال
و اولاد شوهر چه کرده و از بنده که در مال سید چه کرده و چون بنده از گناه توبه کند حق تعالی
فرشتگان را از ان گناه فراموشی دهد و همچنین جوارح او را و زمین را و غیره شهادت دهندگان را
فراموش سازد و اگر مسلمانی را در دنیا مصیبتی رسد اگر خاری در پای او خلد او را موجب اجر داند و صبر
کند آن مصیبت عوض گناهان شود و از جزای گناه در آخرت محفوظ ماند و بعد حساب و وزن اعمال
اگر از حقوق الله چیزی بر ذمه او باقی ماند حق تعالی اگر خواهد عذاب کند و اگر خواهد بخشد در مسند
احمد از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی بنده مسلمان را روز قیامت
از خود نزدیک کند و بگوید نامه اعمال خود بخوان چون بحسنه آید آن مرد خوش شود حق تعالی فرماید

قبول کردم او بسجده رود و چون بر خواندن گناه رسد غمگین شود و بترسد حق تعالی بفرماید که ترا بخشیدم
باز بسجده رود و مردم از وی هیچ نه بینند مگر سجود و با هم مردم گویند چه خوش ست این مرد هیچ گناه
نکرده است و نمیدانند که درمیان او و حق سبحانه چه گذشته و این را حساب یسیر گویند و آنکه از
عائشه رض روایت کرده که آنحضرت در نماز گفت اَللّٰهُمَّ حَاسِبْنِیْ حِسَابًا یَّسِیْرًا چون از نماز فارغ شدند
گفت یا رسول الله حساب یسیر چیست فرمود آنست که حق تعالی در نامهٔ اعمال به بیند و ازو بگذرد و ببخشد
مَنْ نُوْقِشَ فِی الْحِسَابِ یَا عَائِشَةُ هَلَكَ و اگر زیاده فضل فرماید عوض گناه ثواب نیکی و هد حق تعالی
میفرماید یُبَدِّلُ اللّٰهُ سَیِّاٰتِهِمْ حَسَنٰتٍ و مسلم از ابی ذر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
که مردی را روز قیامت آورده شود و صغائر گناه بروی عرض کرده شود او بدان اقرار کند و بترسد
و از کبائر ترسان باشد پس حکم شود که این را بجای هر گناه ثواب نیکی دهند آنگاه آمد بطمع ثواب گوید که مرا
دیگر گناهان هم هستند که نشمرده شده اند سید الرسل صلی الله علیه وسلم ازین سخن خندید که دندان مبارک
ظاهر شد و ابن ابی حاتم از سلمان رضی الله عنه قول او روایت کرده که مردی را روز قیامت نامهٔ اعمال
او داده شود او بالای صحیفه سیآت خواند و ترسان باشد و پایین صحیفه حسنات خواند باز چون بالای
صحیفه نظر کند بجای سیآت حسنات نوشته بیند و از ابی هریره روایت کرده که میگفت بعضی مردم
روز قیامت دوست دارند که سیآت بسیار میکردیم و آنها آن کسان اند که یُبَدِّلُ اللّٰهُ سَیِّاٰتِهِمْ
حَسَنٰتٍ در شان آنهاست درین مقام دو توجیه میتوان کرد یکی آنکه بندگان خاص بمجرد صدور معصیت
آنقدر ندامت میکشند و در جناب الٰهی تضرع و التجا میکنند که آن گناه کار حسنات میکند و فتح باب رحمت
مینماید دوم آنکه کسانیکه غرق دریای عشق و محبت الٰهی هستند در غلبهٔ حال گاهی از انها اعمال صادر میشود
که بمیزان شرع سنجیده نمیشود مثل سماع و وجد و رهبانیه مبتدعه و ترک جمعه و جماعات و ارا لعینا
کلمات شطحیه حق تعالے اینچنین اعمال را بنظر عشق و محبت شان ثواب حسنات دهد مولوی قدس سره میفرماید
مثنوی ہر چه گیرد علتی علت شود × کفر گیرد کاملی ملت شود × کار پاکان را قیاس از خود مگیر ×
گرچه ماند در نوشتن شیر و شیر × او بدل گشت و بدل شد کار او × لطف گشت و نور شد هر نار او ×

تا حضور حساب کن … حساب آسان ۱۲ … هر که خصومت کرده شد در حساب ای عائشه هلاک شد ۱۲ … بدل کند حق تعالی گناهان ایشان را بنیکیها ۱۲ … سماع سرود شنیدن و جنبش سر دو رقص [illegible]

وانچه در حدیث ابی ذر آمده که صغار ذنوب بروی عرض کرده شود و کبار پوشیده داشته شود
معنیش آن باشد که عوض صغار ذنوب حسنات داده شود و اگر احیاناً گاهی ازو بتقدیر ازینچنین کس
کبیره صادر شود آنرا پوشیده دارد و بخشد و آنچه از حقوق عباد اگر بر ذمه کسی باشد هرگز بخشیده نشود
بلکه حسنات مدیون بدائن و ظالم بمظلوم داده شود و اگر حسنات او تمام شود و دیون و حقوق دیگر
بروی باقی مانند سیآت دائنان و مظلومان بر مدیون و ظالم نهاده او را بدوزخ فرستاده شود
رسول فرمود صلی الله علیه وسلم نباشد که بمیری و دین کسی بر تو باشد در آخرت درم و دینار نباشد
در عوض دیون حسنات داده شود و یا سیآت بروی نهاده شود و فرموده که اگر در راه خدا کشته شود
و باز زنده شود و باز کشته شود داخل بهشت نشود تا که ادای دین نکند و فرموده که نامهٔ اعمال
گناهان سه باشد یکی بابت شرک هرگز بخشیده نشود دوم بابت حقوق الله حق تعالی در
بخشیدن حق خود باک ندارد سوم ظلم عباد دران قصاص شود بی شبهه و فرموده که مفلس آنست
که نماز و روزه وغیره حسنات دارد یکی را دشنام داده است و دیگری را مال گرفته و
دیگری را خون ریخته و دیگری را زده است پس هر یک را حسنات او داده شود و چون از حسنات
هیچ نماند گناهان مظلومان بروی نهاده او را بدوزخ انداخته شود لیکن اگر حق تعالی فضل فرماید
خود از طرف مدیونان عوض داده مدیونان را از دائنان رهائی دهاند رسول فرمود صلی الله علیه
وسلم هر که مدیون شد و نیت ادای دارد و او را میسر نشد حق تعالی از طرف او ادا کند و اگر
در نیت او ادا نباشد قصاص حسنات و سیآت کند و معهذا اگر دین برای اسراف بیجا خود کرده باشد
البته ماخوذ شود و اگر بنابر ضرورت یا برای تقویت بر جهاد یا برای تعفف در نکاح یا برای تکفین
مردهٔ فقیر مسلمان مدیون شده باشد و نیت ادا دارد حق تعالی از وی ادا کند و اگر زیاده
تفضل کند مظلومان را با نعامات خوش کند تا که او را بخشند و او را با خود ببهشت برند

فصل بعضی مسلمانان را حق تعالی بغیر حساب ببهشت داخل کند و ایشان را از
حساب معاف دارد و در صحیحین از ابن عباس مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم عرض کرده شد

برمن امتهای انبیای سابق با بعضی از پیغمبران یکمرد مومن ست و با بعضی دو مرد و با بعضی کسی نیست
و با بعضی جماعتی ست و دیدم سواد کثیر که افق را پر کرده و هر سو همچنین سواد کثیر دیدم گفته شد که این
امت تست با اینها هفتاد هزار کس باشند که بغیر حساب داخل بهشت شوند رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم آنها کسانند که افسون نکنند و داغ نکنند و تطیر نکنند و بر خدا توکل کنند عکاشه
رضی الله عنه گفت من هم از انجماعه باشم فرمود باشی مردی دیگر گفت من هم باشم فرمود
عکاشه سبقت کرد و همچنین در صحیحین از ابی هریره و نزد مسلم از عمران بن حصین آمده و در حدیث
ابی امامه آمده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که مرا وعده کرده است پروردگار من که هفتاد هزار کس
از امت تو بغیر حساب داخل بهشت شوند و با هر هزار کس هفتاد هزار کس باشند و سه حثیات از
حثیات پروردگار و حثی چیزی را گویند که در دو کف شخص آید و در حدیث ابی بکر صدیق نزد احمد
وغیره آمده که هفتاد هزار کس بغیر حساب داخل بهشت شوند روی شان باشند ماه شب چهاردهم باشند پس
زیاده طلب کردم از خدا پس زیاده کرد حق تعالی با هر کس از ان هفتاد هزار کس هفتاد هزار کس و در حدیثی
آمده کسانیکه حمد خدا کنند در راحت و رنج داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شهدا فی سبیل الله
داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شب خیزان و در حدیثی اهل فضل و اهل صبر و متحابون فی الله
داخل شوند بغیر حساب اهل فضل کسانند که کسی بر انها ظلم کند صبر کنند و کسی با ایشان
بدی کند ایشان ببخشایند و کسی با ایشان جهل کند ایشان تحمل نمایند و اهل صبر آنها استند
که بر طاعت خدا و از معصیت صبر کنند و متحابون فی الله آنها که برای خدا باهمه دوستی کنند
و بی علاقه دنیا لله ملاقات نمایند و در احادیث آمده هر که در رنج و مصیبتها صبر کند و هر که
در حج و عمره بمیرد و اهل عرفان و احسان و طالبان علم و زنی که فرمان بردار زوج باشد و ولد که نیکی کنند
با والدین و کسی که از فقر جامه نگزندارد و طعام دو قسم نتواند خورد و شراب دو قسم ندارد و کسیکه
بدنیا رغبت ندارد و کسیکه از خوف خدا بگرید بغیر حساب داخل بهشت شوند و اصفهانی از انس رض
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم چون میزانها قائم شوند اهل نماز و اهل روزه

واہل حج را ثواب داده شود میزانها واہل بلا آورده شوند نه میزان برای شان نهاده شود ونه
(یعنی صاحب رنج ودرد در دنیا ۱۲)
دفتر اعمال برای آنها کشاده شود وریخته شود برانها ثواب بغیر حساب تا آنکه اہل عافیت تمنا کنند
آنکه بدنهای شان در دنیا بمقراضها بریده میشد حق تعالی میفرماید إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُم
بِغَيْرِ حِسَابٍ یعنی جز این نیست که داده خواهند شد صابران ثوابهای شان بغیر حساب پس تر چون
کافران را حکم بدوزخ ومومنان را حکم برفتن بسوی بهشت شود مومنان را حق تعالی موافق اعمال
شان نور دهد بعضی کسان را نور باشد مانند کوه وبعضی را مثل درخت خرما وکمترین نور کسی را
باشد که نور او در انگشت پای او باشد گاهی ظاهر شود وگاهی پوشیده وکافران ومنافقان را
نور نباشد قال الله تعالی وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ ودر بعضی احادیث
آمده که منافقان را هم نور باشد لیکن آن نور بر صراط منطفی شود ومنافقان مومنان را گویند که
نظر کنید بما هم از نور شما روشنی گیریم مومنان گویند ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا یعنی
بازگردید پس پشت خود جائیکه حق تعالی نور در مومنان تقسیم کرده آنجا نور طلب کنید یا آنکه در
دنیا روید آنجا ایمان واعمال صالحه کسب کنید که این نور از انست آنگاه مومنان را دیواری
مثل دیوار قلعه پیش آید دران دیوار در باشد مومنان ازان درگذرند ومنافقان بیرون در
باشند اندرون آن دیوار رحمت باشد نسیم بهشت وبیرون آن عذاب دوزخ منافقان
مومنان را آواز دهند آیا با شما نبودیم بر ملت اسلام مومنان گویند آری شما با بودید لیکن شما
نفس خود را در فتنه یعنی کفر ومعصیت انداختید که عقائد فاسده واعمال خبیثه اختیار نمودید
ظاهرا در آیات واحادیث که دلالت دارند بر نبودن نور منافقان را مراد از منافقان آنکسانند
که در باطن کفر دارند وبنابر تقیه واستهزا کلمهٔ شهادت میگویند آنهارا نور نباشد که اصل نور ایمان
ست وایمان بقلب تعلق دارد ودر احادیث که وارد شده که منافقان را نور منطفی شود
مراد از اصحاب توحید از فرقهای مبتدعه باشد روافض وخوارج ومعتزله ومانند شان که
نور ایمان آنها از دود بدعت منطفی شود فائده رسول فرمود صلی الله علیه وسلم نماز نور باشد

بر صراط و کسی که در تاریکیها بمساجد رود نور تام باشد روز قیامت و فرموده هر که سوره کهف خواند در جمعه او را از زیر قدم تا آسمان نور باشد روز قیامت و فرموده مردی صالح اگر در دنیا کور شود او را نور باشد روز قیامت و فرموده هر که تیر انداخت در راه خدا او را نور باشد روز قیامت و فرموده ذکر کننده در بازار را از هر مو نور باشد روز قیامت و فرموده هر که سختی از مسلمانان دور کند او را مشعله باشد از نور بر صراط که از آن روشنی پذیرد عالمی که احاطه نکند آنها را مگر رب العزت و فرموده که پرهیز کنید از ظلم بدرستی که ظلم تاریکیها باشد روز قیامت

فصل چون محشر را دوزخ محیط باشد برای رفتن بسوی جنت بر پشت دوزخ پلی باشد که آن را صراط گویند باریکتر از مو و تیزتر از شمشیر و بر آن پل کلوبها و خارها باشد کافران و منافقان در دوزخ افتند و بر صراط عبور نتوانند کرد و مومنان از آن بگذرند بقدر اعمال خود بعضی مثل برق و بعضی مثل باد تند و بعضی مثل اسپ تیز رو و بعضی مثل شتر تیز رو و بعضی مثل پیاده جلد رو و بعضی مثل پیاده سست قدم و بعضی بخرابی و دقت مجروح شده رنج کشیده نجات یابند و بعضی بسبب گناهان خود در دوزخ افتند در حدیث آمده که هر که واسطه شود بسوی پادشاه برای حاجت برادر مسلمان حق تعالی او را در گذشتن بر صراط مدد فرماید و هر که بخوبی صدقه دهد بخوبی از صراط بگذرد و در حدیث آمده که هر که مردم را سنت پیغمبر صلی الله علیه و سلم آموزد یکچشم زدن بر صراط درنگ کند و از وهب بن منبه مرویست که داود علیه السلام از حق تعالی پرسید که جلد روتر بر صراط که باشد فرمود کسانیکه از حکم من راضی باشند و زبان شان بذکر تر باشد و ابن مبارک و ابن ابی الدنیا از سعید بن ابی هانی روایت کرد که صراط روز قیامت بر بعضی مردم باریکتر از مو باشد و بر بعضی مثل وادی پهن تر حق تعالی میفرماید

وَاِنْ مِّنْكُمْ اِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلٰى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِيْنَ اتَّقَوْا وَّنَذَرُ الظّٰلِمِيْنَ فِيْهَا جِثِيًّا یعنی نباشد از شما کسی مگر وارد شود دوزخ را هست این امر بر پروردگار تو لازم حکم کرده شده پس نجات دهیم متقیان را و بگذاریم ظالمان را در آن بر زانو افتاده مراد از ورود جهنم همین گذشتن است بر صراط که بر پشت دوزخ باشد بعضی مردم چون داخل بهشت شوند بگویند آیا پروردگار

وعده کرده بودی بوده دوزخ ما دوزخ رانده ایم حکم شود که چون شما از دوزخ گذشتید دوزخ سرد شده
وطبرانی از یعلی بن امیه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که دوزخ روز قیامت مسلمان را
گوید که زود بگذر ای مومن که نور تو آتش مرا سرد کرده در حدیث آمده که هر کرا سه کس از اولاد او پیش از بلوغ مرده باشند
وارد دوزخ نشود مگر ره گذر و در حدیثی آمده که هر که نگهبانی مسلمانان کند از کفار برای خدا وزد دوزخ وارد نشود
مگر بتحلهٔ قسم در صحیح بخاری از ابی سعید خدری مروی ست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که چون مومنان
از آتش نجات یابند حبس کرده شوند بر پلی که میان دوزخ و بهشت باشد پس قصاص گرفته شود بعضی را
از بعضی در مظالم چون از آن پاک شوند داخل بهشت شوند پس قسم کسی که جان محمد صلی الله علیه وسلم ۱۲ در دست اوست که هر یک
از شما خانهٔ خود را در بهشت راه یابد چنانچه خانهٔ خود در دنیا می شناسد علما در تفسیر این حدیث اختلاف
کرده اند بعضی میگویند که این پل دیگر باشد بعد صراط و بعضی میگویند که بر کنار همان صراط برای
قصاص باهم استاده کرده شوند و ظاهر آنست که این قصاص سوای آن قصاص باشد که پیش از
صراط شده آن قصاص بدخول دوزخ باشد و این قصاص بحبس باشد از دخول جنت تا وقتیکه مهذب شوند

فصل جماعتی از مسلمانان چون از آتش دوزخ بسبب اعمال صالحه نجات یابند و بسبب بعضی معاصی
دخول جنت نتوانند کرد در قلعهٔ که میان بهشت و دوزخ باشد محبوس باشند آن قلعه را اعراف گویند
رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اعراف سوری ست که میان بهشت و دوزخ و اصحاب اعراف گناهگاران اند
که محبوس باشند بحکم خدا بر سر دیوار اعراف بر آمده دوزخیان را بسیاه روئی و بهشتیان را بسفید روئی
بشناسند چون بسوی اهل بهشت بینند دخول بهشت را طمع کنند و چون بسوی دوزخیان بینند از
حال شان پناه جویند بخدا آخر کار حق تعالی آنها را داخل بهشت سازد قوله تعالی أَهٰؤُلَاءِ الَّذِينَ
أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللّٰهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ
و در حدیثی آمده که اصحاب اعراف مردان باشند که در راه خدا شهید شده باشند لیکن نافرمان پدران
باشند بسبب شهادت داخل دوزخ نشوند و بسبب معصیت پدران داخل بهشت نشوند تا وقتیکه گوشت
و چربی شان خشک شود آنزمان حق تعالی برحمت خود آنها را داخل بهشت کند ازین حدیث مستفاد میشود

کہ از شہادت ہرچند گناہان آمرزیدہ شوند کہ السیف محی الذنوب آمدہ اما حقوق العباد آمرزیدہ نشود
و ابن مسعود رضی اللہ عنہ گفتہ کہ ہر کس را کہ حسنات او از سیآت بیک حسنہ بیفزاید داخل بہشت شود
و ہر کہ سیآت او از حسنات بیک سیئہ افزاید داخل دوزخ شود و ہر کہ حسنات و سیآت او برابر باشد
آنہا بر صراط محبوس باشند آنہا اہل اعراف اند نور مومنان مومنان را بہ بہشت رساند و نور منافقان
منطفی شود و اصحاب اعراف را نور منطفی نشود لہذا طمع دخول جنت دارند و آخرکار داخل جنت شوند
غرضکہ اعراف را منزلہ بین المنزلتین نباید دانست چنانچہ بعضی اہل اہوا گفتہ اند چرا کہ در اعراف خلود نیست

فصل شفاعت اکرم الرسل صلی اللہ علیہ وسلم و دیگر انبیا و صدیقان و شہدا و اولیا و علما و صالحان
و طفلان کہ صغیر مردہ باشند و شفاعت اعمال صالحہ از تلاوت قرآن و نماز و روزہ و صدقہ و مانند آن
حق ست ہر کرا حق تعالی اذن کند و ہر وقت کہ اذن شود شفاعت کنند و شفاعت شان قبول شود
بعضی کسان را در قبر شفاعت در رسد رسول صلی اللہ علیہ وسلم سورہ ملک را گفتہ ہِیَ الْمَانِعَةُ ھِیَ
الْمُنْجِیَةُ مِنْ عَذَابِ اللّٰہِ و بعضی را در عرصات رسد مستحق دوزخ داخل دوزخ نشود
و بعضی بعد دخول دوزخ بشفاعت از انجا رہائی یابند و بعضی را در بہشت بشفاعت درجات عالیہ
میسر شوند رسول فرمود صلی اللہ علیہ وسلم کہ حق تعالی مرا اختیار دادہ درمیان آنکہ نصف امت من
و بروایتی دو ثلث امت من بغیر حساب و عذاب داخل بہشت شوند و درمیان شفاعت برای امت خود
شفاعت اختیار کردم و آن برای ہر مسلمان باشد درین باب احادیث بسیار اند و فرمود صلی اللہ
علیہ وسلم کہ شفاعت من باشد برای کسانیکہ گناہ کبیرہ کردہ باشند و فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
خوب مردم من برای بدان از امت خود مردم گفتند چگونہ یا رسول اللہ فرمود بدان بشفاعت من در
بہشت روند و نیکان باعمال خود روند و فرمود کہ شفاعت کردہ باشم کردہ باشم تا آنکہ گویم کہ ای
یعنی خوب مردم بستم ١٢
پروردگار شفاعت من قبول کن در حق ہر کس کہ لَآ اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ گفتہ حق تعالی فرماید قسم بعزت من
و جلال من کہ ہیچکس را در دوزخ نگذارم کہ لا الہ الا اللہ گفتہ باشد و فرمود علیہ السلام کہ ہر کہ اذان
شنیدہ گوید اَللّٰھُمَّ رَبَّ ھٰذِہِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ تا آخر او را شفاعت من باشد

وفرموده هرکه ثابت باشد بر سختی مدینه وآنجا باشد برای او شاهد وشفیع باشم
وفرموده هرکه در مدینه بمیرد او را شفاعت کنم وفرموده هرکه برای زیارت
من آید واجب باشد بر من شفاعت او ودر روایتی آمده هرکه زیارت قبر من کند واجب باشد
بر من شفاعت او وفرموده بسیار درود بفرستید بر من بروز جمعه وشب جمعه هرکه چنین کند او را
شاهد باشم وشفیع وفرموده هرکه ده بار صبح وده بار شام بر من درود فرستد او را شفاعت من رسد
وفرموده بهترین کسان برای شفاعت من روز قیامت کسی باشد که درود بر من بسیار فرستاده باشد
وفرموده که هرکه بعد نماز این دعا خواند اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدَنِ الْوَسِيْلَةَ وَاجْعَلْهُ فِي الْمُصْطَفَيْنَ
مَحَبَّتَهُ وَفِي الْعَالِيْنَ دَرَجَتَهُ وَفِي الْمُقَرَّبِيْنَ دَارَهُ واجب شود او را شفاعت محمد صلی الله
علیه وسلم وفرمود که دو صنف باشند که آنها را شفاعت من نرسد روز قیامت یکی مرجیه دوم قدریه
مرجیه آن باشند که یقین کنند بمغفرت وبگویند که مسلمان را هیچ گناه ضرر نکند چنانچه کافر را هیچ حسنه
فائده نکند وقدریه منکر شفاعت اند ومیگویند که صاحب کبیره بدون توبه مخلد فی النار باشد وفرموده
که دو مرد را شفاعت من نباشد یکی بادشاه ظالم دوم آنکه در دین از شرع تجاوز کند وبیرون رود یعنی اهل اهوا
مثل روافض وخوارج وامانند آنها وفرمود که جدال بگذارید جدال کننده را شفاعت من نرسد یعنی آنچه
خدا ورسول بفرماید آنرا قبول باید کرد ودران جدال نباید کرد وفرمود اول شفاعت کننده وشفاعت
قبول کرده شده من باشم وفرمود اول شفاعت انبیا باشد پستر شفاعت صدیقان پستر شفاعت شهدا
وبروایتی اول شفاعت انبیا پستر شفاعت علما پستر شفاعت شهدا پستر شفاعت مؤذنان وفرمود عالم
وعابد حاضر شوند عابد را گفته شود که داخل بهشت شو وعالم را گفته شود که بایست تا شفاعت کنی
از ابن عمر مرویست که گفته شود عالم را که شفاعت کن در شاگردان خود اگرچه عدد ستارگان باشند وفرمود
رسول صلی الله علیه وسلم که شهید شفاعت کند در هفتاد کس از اهل بیت خود وفرمود که حاجی که در
چهار صد کس از اهل بیت خود شفاعت کند وفرمود که مردی شفاعت کند برای یکمرد ومردی برای دو کس
وسه کس روز قیامت ومردی باشد که بشفاعت او زیاده از بنی تمیم ومثل ربیعه ومضر داخل بهشت شوند

یعنی بحکمت برطرف کرد و انکار نمود برای تحقیق ۱۲

و فرموده که مردی از اهل جنت مشرف شود بر دوزخیان مردی از اهل دوزخ گوید ای فلان تو مرا می شناسی
گوید نی گوید که من آنکس هستم که تو از من آب خواستی من ترا آب خورانیدم مرا شفاعت کن آن مرد از خدا سوال
کند او از آتش برآید مردی مردی را گوید من ترا آب وضو داده بودم مردی دوزخی مردی بهشتی را
گوید یاد داری که تو مرا برای کاری فرستادی من رفتم و کار تو کردم او شفاعت کند و رسول فرموده
صلی الله علیه وسلم در تفسیر قوله تعالی فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ مراد از
یزیدهم من فضله شفاعت ست برای دوزخیان کسانیکه با ایشان در دنیا نیکی کرده بودند و فرموده
که حافظ قرآن را که حلال را حلال داند و حرام را حرام داخل جنت کرده شود و شفاعت کند در ده کس
که آتش برای شان واجب باشد و فرمود طفلان مسلمین زیر عرش شفاعت کنند و شفاعت شان
قبول شود و در حدیثی آمده هر کرا سه بچه مرده باشد بر دروازه بهشت استاده باشند آنها را گفته شود
که در بهشت بروید گویند چگونه رویم پدر و مادر ما داخل نشده اند در مرتبه دوم یا سوم گفته شود که بروید
شما و پدر و مادر شما و فرمود که روزه و قرآن شفاعت کنند روزه گوید که من این را از خوردن و شهوت
باز داشته بودم شفاعت من قبول کن و قرآن گوید که من این را از خفتن باز داشته بودم و حجر اسود
روز قیامت لب و زبان باشد شهادت دهد برای کسی که بوسه داده بود و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
لعنت گویندگان روز قیامت شاهد و شفیع نباشند اگر کسی گوید که چون از شفاعت رسول
صلی الله علیه وسلم است او از آتش بیرون شدند بشفاعت دیگران چه حاجت باشد گفته شود که شفاعت
دیگران از علما و صلحا و غیرهم داخل شفاعت آنحضرت ست که بدولت متابعت آنحضرت مرتبه شفاعت
یافتند حق تعالی برای اظهار شرف آنها آنها را مرتبه شفاعت داده در صحیحین در حدیثی طویل از ابی سعید خدری
مروی ست که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده چون مومنان از آتش رهائی یابند و از صراط بگذرند در جناب الهی
برای برادران خود که در دوزخ باشند آواز شفاعت بمبالغه برآرند و گویند ای پروردگار اینها با ما نماز و
روزه و حج میکردند حکم شود که برارید هر کرا بشناسید حق تعالی آتش بر صورتهای مسلمانان حرام کند
صورتهای شان بحال باشد پس برارند خلقی کثیر را و گویند یا رب حالا از اینها کسی نمانده که امر کردی حکم شود

یعنی پس تمام بدهد ایشان را اجور ایشان را و افزون دهد ایشان را از فضل خود ۱۲

که باز برویید و هر که در دل او بقدر دیناری ایمان باشد وی را بیرون آرید پس بیرون آرند خلقی کثیر را باز حکم شود که برو
و بیرون آرید کسی را که در دل او مثل مورچه ایمان باشد پس بیرون آرند خلقی کثیر را از دوزخ و بگویند یا رب حالا نگذاشتیم در دوزخ
هیچ چیز پس حق تعالی بفرماید که فرشتگان شفاعت کردند انبیا شفاعت کردند مسلمانان شفاعت کردند
و باقی نماند مگر ارحم الراحمین فَيَقْبِضُ قَبْضَةً مِّنَ النَّارِ یعنی حق تعالی یک قبضه از دوزخ بگیرد
پس برآرد قومی را که گاهی هیچ عملی نیک نکرده است مثل انگشت شده است پس بیندازد حق تعالی آنها را در
نهری بر روی بهشت آنرا نهر حیات گویند پس آیند چنانچه دانه می روید در سیل پس برآیند مثل دانه مروارید
در گردنهای ایشان مهرها باشند اهل بهشت گویند که اینها آزاد کرده خدا اند و باقی ماند یک مرد میان دوزخ و
بهشت روی او بسوی دوزخ باشد سوال کند از خدا که روی من از دوزخ بگردان حق تعالی فرماید که چیزی
دیگر سوال نکنی او عهد کند که نکنم حق تعالی روی او بسوی بهشت کند و تازگی جنت بیند مدتی خاموش ماند
باز گوید که مرا نزدیک دروازه بهشت کن حق تعالی فرماید که تو عهد کرده بودی که دیگر سوال نکنم باز از وعده گردد
که دیگر سوال نکنم و بر دروازه بهشت برد مدتی آنجا خاموش باشد باز سوال کند دخول بهشت را حق تعالی فرماید که تو
عهد کرده بودی که سوال نکنم او گوید الهی مرا بدبخت ترین خلق مکن و دعا کرده باشد تا که حق تعالی بخندد و او را به بهشت برد
و بفرماید که آرزو کن او آرزو کند تا که منقطع شود آرزوی او حکم شود که آنچه آرزو کردی ترا باشد و ده چند زیاده از آن
فصل رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که رحمت را حق تعالی صد حصه کرده یکحصه در جمیع خلائق تقسیم کرده
و نود و نه حصه نزد خود داشته که روز قیامت دوستان خود را خواهد کرد و فرمود که قسم بخدا آنقدر رحمت خواهد کرد
که ابلیس امیدوار شود و بیشتر رحمت او تعالی قاریان قرآن علما را باشد حق تعالی میفرماید ثُمَّ أَوْرَثْنَا
الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا ۖ فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ
سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا الآیه
یعنی بعد انبیای سابق وارث کتاب کردیم کسانی را که برگزیدیم از بندگان خود پس بعضی از اینها ظالم باشند
بر نفس خود گنهگاران و بعضی از اینها میانه رو باشند و بعضی از اینها سبقت کننده باشند به نیکیها باذن خدا
همین است فضل بزرگ بهشتهای همیشگی را داخل شوند که نهرها دران جاری باشند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم

این لفظ از المصنف نیست در توصیف بهشت افزوده اند و از ترجمه نیست و لفظ آیت مابعد یُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا ۖ وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ۱۲

سابقان داخل بهشت شوند بغیر حساب و میانه روان را حساب بسیر شود و ظالمان در طول محشر محبوس باشند پس در رحمت خدا

آنها را تلافی کنند بگویند الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور و محی

و فرمود که حق تعالی علما را فرماید که من علم خود در شما نداده بودم مگر آنکه اراده مغفرت شما داشتم برای شما بر هر چه از شما آید و باک ندارم

فائده بهترین مسلمانان نزد خدا سه فریق اند شهدا که جان خود ها را در راه خدا بذل کردند دوم علما که عقل

و حواس خود ها در راه خدا بذل کردند سوم اسخیا که مال خود ها در راه خدا بذل کردند لیکن اخلاص شرط است

که نیت خالصاً لله باشد و گرنه اول بدوزخ روند مسلم از ابی هریره روایت کرد که رسول فرمود صلی الله

علیه و سلم اول کسی که حکم کنند بر وی حق تعالی شهید باشد حق تعالی گوید که چندین نعمت بتو دادم تو

چه عمل کردی گوید که در راه تو شهید شدم فرماید که دروغ گفتی قتال کردی برای آنکه مردم ترا جری و شجاع گویند

پس گفته شد حکم شود که او را کشیده بدوزخ اندازند دوم عالم که حق تعالی نعمتها با و داده پرسد که چه

عمل کردی گوید که برای تو علم آموختم و مردم را تعلیم کردم و قرآن خواندم و خوانانیدم حق تعالی فرماید که دروغ

گفتی بلکه تعلیم و تعلم کردی تا که ترا مردم عالم و قاری گویند پس گفته شد حکم شود و بدوزخ انداخته شود سوم

مردی که او را حق تعالی مال داده و او هر صنف مال بمردم بخشیده چون نعمتها خدا با و داده از و پرسد که

چه عمل کردی گوید که در راه تو مال هر صنف خرج کردم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی میدادی مردم را

مگر تا که ترا جواد گویند و گفته شد حکم شود و بدوزخ انداخته شود پس در هر عمل نیت خالصة لله

شرط قبول ست رسول فرمود صلی الله علیه و سلم انما الاعمال بالنیات عمل معتبر نیست مگر به نیت

فصل الایمان بین الخوف والرجاء ابو نعیم از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول فرمود

صلی الله علیه و سلم که یکی را از انبیای بنی اسرائیل وحی شد که طاعت کنندگان مرا بگو که بر عمل خود تکیه نکنند اگر

بنده را حساب کنم و خواهم که او را عذاب کنم البته او را عذاب کنم یعنی در حساب کسی نمی تواند بر آمد و بگو گناهگاران را

که از رحمت خدا نا امید نشوند که من گناهان کبیره را می بخشم و باک ندارم و طبرانی از واثله بن اسقع روایت کرد

که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که روز قیامت بنده باشد که هیچ گناه نکرده حق تعالی از و گوید که میخواهی

اگر خواهی بحساب اعمال ترا جزا دهم و اگر خواهی بفضل خود او گوید الهی تو داناتری من گناهی نکرده ام آنگاه حکم شود

تمام ستائیش خدای را که برد از ما اندوه را بیشک پروردگار ما هر آینه بخشنده و قدرشناس ست ۱۲

ایمان در میان بیم و امید ست ۱۲

کر نعمتی را از نعمتهای من مقابل عمل او کنید ادنی نعمت از نعمتهای خدا همه اعمال او را فرا گیرد آنگاه آن بنده گوید
الهی بفضل و رحمت خود مرا ببخش و بزار از انس رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود
دفاتر سه اند یکی دفتر حسنات دوم دفتر سیئات سوم دفتر نعمتهای خدا اگر خدا حکم کند ادنی نعمت همه نیکیها را
در گیرد و گناهان باقی مانند و اگر فضل فرماید گناهان را و نعمتها را ببخشد و حسنات را مضاعف کند

باب سوم در صفت جهنم و عذاب کفار نعوذ بالله منها

طبرانی از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده که جبرئیل نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمده متغیر اللون
آنحضرت پرسید که چه حال است گفت نیامده ام نزد تو مگر بعد آنکه حکم فرمود حق تعالی بکلیدهای جهنم یعنی جهنم را
دیده آمده ام فرمود وصف کن برای من آتش را گفت حق تعالی امر کرد تا آتش هزار سال افروختند تا که
سفید شد پس تر هزار سال دیگر افروختند تا که سرخ شد پس تر هزار سال دیگر افروختند تا که سیاه شد پس
آن سیاه و تاریک است روشن نیست شرر آن و کم نمیشود سوزش آن قسم بکسی که ترا فرستاده است
بحق که اگر سوراخی شود از دوزخ بقدر سر سوزن اهل زمین همه بمیرند از گرمی آن و اگر فرشتگان عذاب که در جهنم اند
ظاهر شود کسی از انها بسوی دنیا و اهل زمین او را ببینند همه بمیرند از زشتی روی او و بدبوی او و اگر یک حلقه
از زنجیر دوزخیان که در قرآن مذکور شده نهاده شود بر کوههای دنیا هر آینه فرو رود تا زمین سفلی هرگاه حق تعالی
دوزخ را پیدا کرده دلهای ملائکه از دهشت آن پریدند چون آدم علیه السلام مخلوق شد دلهای ایشان
قرار گرفت در صحیحین است که آنحضرت فرمود که هر چند در دوزخ خلق انداخته شود دوزخ هل من مزید
گوید تا که رب العزت دران قدم بنهد آنزمان بعضی ازان بسوی بعضی بپیچد و گوید بس بس دوزخ در زمین
سفلی است یعنی زیر زمین و بهشت بالای آسمان هفتم از وهب بن منبه مرویست که چون قیامت
قائم شود فلقی که پوشش سقر است از سقر دور شود و ازان آتشی براید و دریا که بر جهنم مطبق است
و حاجز است میان جهنم و هفت طبق زمین در چشم زدن افروخته کنند [illegible]
فصل جهنم را هفت درکه است و هفت در است یکی بالای دیگری و به هر در جماعتی قسمت کرده

اول شان جهنم ست دران عذاب کمترست برای گنهگاران این امت پست تر ازان لظی ازان پست سعیر
ازان پست حطمه زیر آن سقر زیر آن جحیم پست تر ها ویه منافقان در درک اسفل باشند از دوزخ مسلمانان
را باید که همیشه از دوزخ بحق سبحانه پناه جویند از مجاهد مرویست که بنده را امر کرده شود که در دوزخ اندازند
دوزخ باهم بپیچد گفته شود که چه حال ست دوزخ گوید که این مر از من بتو پناه میجست حکم شود که این را
بگذارند بیهقی روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم نمی خفت تا که تبارك و حم سجده
نمی خواند و فرمود که حم ها هفت اند و درهای جهنم هم هفت اند حم سجده ازان روز قیامت
بر دری از درهای جهنم بایستد و بگوید که الهی داخل نشود ازین در کسیکه با من ایمان داشت و مرا می خواند

فصل موکلان جهنم نوزده فرشته اند مالک رئیس آنهاست هزار سال پیش از خلقت جهنم مخلوق شده اند
و هر روز قوت شان زیاده میشود و هر یک ازان آنقدر هست که در میان دوشانه او صد ساله راهست
و در دلهای شان رحمت مخلوق نشده و با هر یک ازان گرزست و مالک را انگشتان است بعدد همه دوزخیان
کسی در دوزخ نیست که مالک او را از یک انگشت خود عذاب نمیکند و قرطبی گفته نوزده سرداراند و موکلان
جهنم بیشمار اند و ویل وادیست در جهنم عمیق که کافر در وی تا چهل سال فرو میرود و پیش ازانکه در قعر او رسد و در روایتیست
که در وی ریم دوزخیان جاریست و صعود کوهیست در جهنم در هفتاد سال جهنمی باعلای آن رسد و باز ازانجا
فرو افتد همچنین تا ابد باشد و در روایتی آمده که صعود سنگیست که اگر بروی دست رسد گداز شود و چون دست بردارد
باز درست بشود و همچنان آن فرمود صلی الله علیه وسلم که اگر سنگی بوزن ده درم از لب جهنم انداخته شود
تا هفتاد سال بپایین او نرسد و در نهایت آن غی ست و اثام و آن هر دو نهر اند از ریم دوزخیان و موبق
وادی عمیق ست روز قیامت فاصل باشد درمیان مسلمین و کفار از اهل دوزخ در صحیحین ست که دوزخ شکایت
کرده بسوی پروردگار خود و گفت که از شدت حر بعضی اجزای من بعضی را خورده حکم شده او را بدو دم
دمی بسردی که از سردی او در دنیا سرما میشود و دمی بگرمی که از گرمی او در دنیا گرما میشود

فصل کافران را پارچه از آتش باشد و نیز پیرهنها از مس گداخته شده شدید الحرارة وهب بن منبه میگوید
اهل دوزخ را پوشاک باشد و برهنگی برای شان بهتر ست از پوشاک و حیات باشد و موت برای شان بهتر باشد

زجیات و برآتی دوزخیان فرش باشد و لحافها از آتش دوزخیان در زنجیر باشند که هفتاد گز طول آن زنجیر باشد
هر گز ازان هفتاد باع هر باع مقدار ما بین مکه و کوفه اگر تمام آهن دنیا جمع کرده شود به یک حلقه زنجیر دوزخیان نرسد
آن زنجیر را از دبر آنها داخل کرده و از دهن بر آورده بر وی پیچیده شود و حمیم بالای سر کافر ریخته شود و پس بر شکم
و فرو ریزد آنچه در شکم باشد در قدمش باز همچنان درست شود و باز حمیم (آب گرم) ریخته شود و طعام دوزخیان زقوم
باشد اگر قطره ازان در دریاها افتد زندگانی اهل دنیا فاسد کند زقوم درختی باشد از شدت گرسنگی آدمی
از وی بدندان گیرد آن درخت از آدمی همان قدر بگیرد که گیرد و نیز طعام دوزخی ضریع باشد رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم ضریع چیزیست در دوزخ مشابه خار تلخ تر از صبر و بد بوتر از جیفه و گرم تر از آتش وقتیکه بخورد
صاحب او نه در شکم فرو رود و نه از دهن بر آید گلوگیر باشد نه فربه کند و نه گرسنگی دور سازد و نیز طعام دوزخیان
غسلین باشد یعنی ریم دوزخیان و شراب شان حمیم باشد یعنی آب در غایت گرمی و غساق یعنی آب سرد
موذی در غایت سردی و در حدیث آمده که اگر یک دلو غساق در دنیا افتد تمام دنیا بدبو شود و از
مرویست که غساق چشمه ایست در دوزخ که دران زهرهای تمام جانوران زهردار باشد ایشان را
دران غوطه داده شود گوشت و پوست از استخوان جدا شده در پای افتد و آنرا مثل پارچه بکشد ترمذی
از ابی الدرداء روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم گرسنگی بر کافر غالب کرده شود تا حدی که
برابر همه عذابها باشد پس فریاد کنند و طعام خواهند طعام داده شود که در گلو بسته شود پس یاد کنند که در دنیا
از آب طعام را از گلو فرو می بردند فریاد کنند و آب خواهند پس حمیم بگلوبهای آهنی نزد روهای شان کرده شود
از گرمی آب روی شان بریان شود و چون در شکم داخل شود آنچه در شکم از امعاست قطع کند آنگاه خازنان
دوزخ را گویند دعا کنید از پروردگار که یک روز از ما عذاب کم کند خازنان گویند که رسولان نزد شما نیامده بودند
گویند که آمده بودند خازنان گویند شما دعا کنید و نیست دعای کافران مگر در گمراهی یعنی نا قبول پس مالک را
گویند ای مالک دعا کن که حق تعالی ما را بمیراند مالک بعد هزار سال جواب دهد که شما همیشه در عذاب باشند
آنگاه از حق تعالی دعا کنند ای پروردگار ما بدبختی ما غالب شد و ما قومی گمراه بودیم ما را از دوزخ بر آر اگر
باز کفر کنیم ظالم باشیم حق تعالی جواب دهد اخسئوا فیها ولا تکلمون یعنی دور شوید در دوزخ و سخن مگوئید آنگاه

۴ یک باع بقدر دراز کردن دو دست ۱۲

۵ گلوبند ... آهنی که بدان ... گرم ...

در زفیر و حسرت باشند در روایتی آمده که این جواب بعد مدت عمر دنیا شنوند و در روایتی آمده اهل دوزخ را
پنج دعا باشد اول گویند ای پروردگار مرده کردی ما را دو بار و زنده کردی ما را دو بار اقرار کردیم بگناهان
خود آیا ما را باشد راهی بسوی برآمدن از دوزخ جواب دهد حق تعالی این عذاب از انست که چون مردم
توحید میکردند شما اعتقاد بشرک میداشتید و شرک میکردید پس حکم مر خدا راست نه دیگری را باز ندا
کنند الهی ما دیدیم و شنیدیم ما را باز بدنیا بفرست تا عمل کنیم نیکو جواب یابند بچشید این عذاب را
شما فراموش کرده بودید این روز را ما شما را فراموش کردیم بچشید عذاب را همیشه بسبب اعمال خود باز
گویند ای پروردگار فرصت ده ما را تا زمانی قریب یعنی اندک در دنیا قبول کنیم دعوت ترا و پیروی کنیم رسولانرا
جواب دهد خدا آیا نبودید شما که قسم میخوردید که شما را زوال نباشد باز گویند ای پروردگار ما را از دوزخ برآر
عمل نیک کنیم غیر آنچه عمل میکردیم حق تعالی فرماید آیا عمر نداده بودیم شما را در دنیا آنقدر که دیگران در ان عمر پند
پذیرفتند و آمد نزد شما رسولان ترساننده از عذاب خدا پس بچشید عذاب ظالمان را کسی مددگار نیست
باز گویند ای پروردگار ما بر ما بدبختی غالب شد و بودیم گمراه ای پروردگار ما ما را برآر پس اگر باز کفر کنیم ظالم
باشیم آنگاه جواب داده شوند اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ باز هیچ سخن نگویند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
که در دوزخ مارها باشند مانند گردنهای شتر بختی و کژدمها باشد خرد ترشان مثل خچر هر گاه نیش زنند
رنج او تا چهل سال باقیماند در روایتی آمده که نیش کژدمها مثل درخت طویل از خرما باشد مسلم از ابی هریره
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که بدن کافر آنقدر فراخ کرده شود که دندان او مثل کوه احد باشد
و پری پوست او مسافت سه مرحله راه و بر روایتی آمده که مقعد او از مکه تا مدینه و در حدیثی آمده که ما بین
نرمه گوش تا دوش کافر هفتصد ساله راه باشد آتش بدن کافر را خورد تا که رسد بر دل او باز بدنش
درست شود و باز همچنان کنند تا ابد معاذ رضی الله عنه گفته که در یک ساعت صد بار جلد کافر سوخته شود
و باز درست گردد عمر رضی الله عنه گفته همچنین از رسول صلی الله علیه وسلم شنیده ام و بر روایتی در ساعتی
صد و بیست و بار تبدیل جلد شود و بروایتی شش هزار بار و از حسن بصری مرویست که در روزی
هفتاد هزار بار و جمع روایات بتعدد اشخاص کفار میتوان کرد و نیز چون در ساعتی شش هزار بار باشد

در روز که دوازده ساعت باشد هفتاد و دو هزار میشود و باسقاط کسر جمع این دو روایت میشود
و از حذیفه مرویست که در جهنم درندگان و سگان و گلوبها و شمشیرها از آتش باشند ملائکه کافران را بدان
کلالیب قطع کنند و از آن شمشیرها عضو عضو جدا کرده پیش سباع و سگان بیندازند و هر بار که عضوی
را ببرند بجای آن عضوی دیگر قائم شود و در حدیثی آمده که آتش روی کفار را آنچنان کند که لب بالا
کشیده شود تا نیم سر رسد و لب پایین فروهشته تا ناف رسد ابن عباس در تفسیر قوله تعالی فَلْيَضْحَكُوا
قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا گفته باید که دنیا قلیل ست در دنیا هر قدر خواهند بخندند چون دنیا منقطع شود
گریه شان منقطع نگردد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که دوزخیان گریه کنند تا که آب چشم منقطع شود ازان
خون بگریند و در رویهای شان خندقها شوند که اگر کشتیها دران بگذارند جاری شوند و فرموده که دوزخیان
مدتی آب چشم ریزند بیشتر مدتی ریم گریند پس خازنان جهنم گویند ای بدبختان شما در دنیا نگریستید حالا کسی را
فریادرس دارید آن زمان از اقربای خود که بهشتیان باشند ندا کنند ای جماعه پدران و مادران و فرزندان
برآمده ایم از قبور تشنه و در طول موقف تشنه ماندیم و الحال تشنه ایم بریزید بر ما آب یا آنچه خدا بشما
داده است بعد چهل سال از آنجا جواب یابند که حق تعالی آب وغیره بر کافران حرام کرده است دوزخیان را
در دوزخ زفیر و شهیق باشد یعنی آوازی شدید و آوازی ضعیف مثل آواز خر از اهل دوزخ کمتر در عذاب
کسی باشد که او را نعلین از آتش باشند که ازان دماغ او جوشد چنانچه دیگ میجوشد داند که کسی از من در
عذاب سخت تر نیست حال آنکه او کمتر ست در عذاب عباس رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم پرسید
که ابوطالب حمایت تو میکرد او را چیزی نفع کردی فرمود آری او در ضحضاح آتش است
اگر من نمی بودم در درک اسفل می بود ضحضاح آبی قلیل را گویند که تا شتالنگ باشد
یا کمتر ازان در حدیثی آمده که ابوطالب را نعلین ست از آتش که ازان دماغ او میجوشد

باب چهارم در عذاب گناهگاران از مسلمین

رسول فرمود صلی الله علیه وسلم دوزخیان در آتش نه زنده باشند یعنی بزندگی راحت و نه مرده باشند

وبعضی کسان را آتش رسد پس بمیرند و مثل انگشت شوند پس حکم شود بشفاعت آنها پس آنها را برآورده در
نهرهای بهشت انداخته شوند و اهل بهشت را حکم شود که بر آنها آب بریزند پس آنها مثل سبزه برویند و در حدیث
آمده که گرمی دوزخ برابر است مانند گرمی حمام باشد یعنی در حق بعضی کسان و فرموده که بعضی دوزخیان را آتش
تا شتالنگ باشد و بعضی را تا زانو و بعضی را تا سینه و بعضی را تا حلق و بعضی را تا سر و فرموده زنان را که من شما را
اکثر اهل دوزخ دیدم زنی گفت چرا فرمود شما لعنت بسیار میگویید و کفران نعمت شوهران میکنید و نیز در حق زنان
فرموده که آنها بعطا شکر نمیکنند و بر بلا صبر نمیکنند و فرمود که مردی را آورده در دوزخ انداخته شود پس بیرون آید امعای او
پس او در آتش گردش کند چنانچه خر گرد آسیا میگردد و دوزخیان جمع شوند و بگویند ای فلان چه حالست ترا تو ما را
امر معروف و نهی از منکر میکردی گوید که من شما را امر معروف میکردم و خود آن کار نمیکردم و نهی از
منکر میکردم و خود مرتکب آن بودم و فرموده که سخت تر در عذاب مردی باشد که طلب علم میتوانست کرد
و طلب علم نکرد و مردی عالم که بعلم خود نفع نگرفت و فرموده که زبانیه (موکلان عذاب ۱۲) جلدی کنند در عذاب قاریان پیش از
عذاب بت پرستان آنها گویند که شما در عذاب ما جلدی کردید پیش از بت پرستان آنها گویند که
عالم مثل جاهل نباشد یعنی معذور نباشد و در حق کسی که قلاده یا گوشواره یا دست بند از زر پوشیده
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که قلاده و مانند آن از نار باشد علما این حدیث را در حق زنان
منسوخ گفته اند یا تاویل میکنند بعدم ادای زکات و فرموده هر که در ظرف زر یا نقره آب خورده آتش
دوزخ در شکم او آواز کند چنانچه آب در کوزه و همچنین هر کرا گریبان جبه از حریر باشد او را طوق از آتش باشد
و در صحیحین است که فرمود هر که خواب دیدن ظاهر کند و ندیده باشد تکلیف داده شود که در دو جو گره دهد
و نتواند و هر که سخن کسی را گوش نهد و او بشنیدن او راضی نباشد در گوش او سرب گداخته ریخته شود
روز قیامت و هر که صورت ذی روح سازد تکلیف داده شود که دران روح داخل کند و هر که علم را
پوشیده کند او را لگام از آتش داده شود و هر که دو زبان باشد در دنیا یعنی روبروی شخصی بوضعی میگوید
و غائبانه بوضعی دیگر او را دو زبان باشد از آتش روز قیامت و هر کرا در وضو پاشنه خشک ماند بلای آتش
پاشنه او را روز قیامت و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که در وضو در انگشتان خلال کنید تا آتش

درمیان ایشان نباید و در صحیحین است که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که هر که از بلندی خود را انداخته مرد
همیشه در دوزخ در همین عذاب باشد و هر که زهر خورده مرده همیشه در دوزخ زهر خورده مرده باشد و هر که
با آهن خود را کشت همیشه آهن او در دست او باشد که در شکم میزده باشد و فرموده هر که اهل مدینه را
بد می خواهد در آتش گداز د چنانچه قلعی گداخته میشود و هر که غیبت کسی کند گفته شود که بخور گوشت او در حالت
مردگی چنانچه خوردی گوشت او در حالت زندگی پس بخورد و بسیار رنج کشد و در حدیثی آمده که چهار کس
باشند که در حمیم و جحیم بگردند و ویل گویند و اهل دوزخ گویند که اینها کیستند که نزدیکی شان مارا ایذا کرد
زیاده از ایذای نفس خود و او را گویند ای ابعد تو مارا ایذا کردی زیاده بر انچه مارا بود یکی آنکه مال مردم بر گردن
او باشد و ادا نشود او معلق باشد در تابوت از آتش دوم آنکه از رسیدن بول بپارچه و بدن پرهیز نکند
و امعای خود در آتش کشد سوم آنکه از سخن بد در مردم لذت گیرد از دهان او ریم جاری باشد چهارم آنکه
غیبت و نمیمه کند او همیشه گوشت خود بخورد و از قیصور بن زاذان مرویست که گفته عالم که از علم خود منتفع نشود
دوزخیان متاذی شوند از بوی بد او و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که فرجهای زانیان ایذا دهند اهل دوزخ
را از بدبوئی و در صحیحین است که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم بدرستی که حق تعالی بر خود لازم گرفته است
آنکه هر که مسکر خورد او را نوشاند حق تعالی طینت خبال فرمود یعنی افشرده دوزخیان و در حدیثی آمده
که هر که خمر نوشد خدا او را حمیم جهنم نوشاند و فرمود رسول صلی الله علیه وسلم که مدینه هجرتگاه و خوابگاه منست
واجبست بر امت من گرامی کردن اهل مدینه را تا که بپرهیزند از کبائر و کسی که چنین نکند او را حق تعالی
طینت خبال نوشاند و فرمود هر که در حق مسلمان گوید آنچه در وی نباشد خدا تعالی او را ساکن ردغه خبال
کند تا که بر آید از آن قول و بر نخواهد آمد از آن قول و فرموده که زنان نوحه گر را دو صف کرده بر جانب یمین و یسار
دوزخیان استاده کرده شود پس آواز کرده باشند بر دوزخیان مانند آواز سگان و فرموده که بیدادها
ظالمان سگان دوزخ باشند و در صحیحین آمده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که سخت ترین عذاب مصوران را
باشد و در حدیثی آمده که سخت تر عذاب روز قیامت کسی را باشد که انبیا را دشنام دهد پس تر کسی را
که اصحاب مرا دشنام دهد پس تر کسی را که دیگر مسلمانان را دشنام دهد و فرموده که سخت تر عذاب کسی را باشد

۱۵ آنانکه تصویر ذی روح کشند

که نبی را قتل کرده یا نبی او را قتل کرده و بادشاه ظالم را و مصوران را و فرموده که سخت تر عذاب روز قیامت
کسی را باشد که مردم را در دنیا عذاب سخت تر میکند و در حدیثی آمده که حق تعالی بعضی مردم را بدخول بهشت
حکم کند چون نزدیک بهشت رسند و خوبی بهشت ببینند حکم کند که اینها را از بهشت باز گردانیده بدوزخ اندازند
پس آنها بحسرتی باز گردند که دیگر دوزخیان را آن حسرت نباشد بگویند ای پروردگار اگر ما را از اول
داخل دوزخ میکردی بهتر می بود حق تعالی فرماید که همین خواستم که شما را حسرت دهم شما در خلوت
گناهان عظیم میکردید و بحضور مردم برخلاف آن میکردید از مردم هیبت میکردید و از من هیبت نمیکردید مردم را
تعظیم میکردید و مرا نمیکردید فعل بد برای مردم ترک میکردید و برای من ترک نمیکردید امروز می چشانم شما را
عذاب الیم و محروم داشتم شما را از ثواب و فرموده که برای استهزا کنندگان با مردم دری بسوی بهشت
کشاده شود و گفته شود یکی را از انها برای خروج از دوزخ و او با کرب و محنت آید چون نزدیک در رسد در را
بند کرده شود همیشه همچنین شده باشد تا آنکه چون دروازه کشاده شود و گفته شود که بیا از ناامیدی نیاید
و در حق چند کس در احادیث وارد شده فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ یعنی باید که خانه خود در دوزخ
سازد و کسی که بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم دانسته دروغ بندد و کسی که دعوی دروغ کند و کسیکه شهادت
دروغ دهد و کسیکه قسم دروغ خورده مال برادر مسلمان خورد و کسیکه دوست دارد آنکه مردم پیش او ایستاده
باشند و در حدیث وارد شده که گناهگاران سوای امت محمد صلی الله علیه وسلم در دوزخ انداخته شوند
روهای شان سیاه شود و قیدهای آهنی در پا و طوقها در گردن آنها باشد و گناهگاران امت محمدی صلی الله علیه
وسلم اگر در دوزخ انداخته شوند روهای شان سیاه نباشد و نه قید در پا و نه طوق در گردن آنها را دیده
مالک گوید که از شما خوب روتر برین وارد نشده هست شما از کدام امت هستید گویند ما از امت قرآن
هستیم از امیر المومنین علی و ابی هریره رضی الله عنهما مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اهل کبائر
از موحدان که بدون توبه مرده باشند هر که از انها داخل دوزخ شود چشمهای شان ازرق نشود و روهای
شان سیاه نباشد و با شیاطین در یک زنجیر نکرده شوند و طوق در گردن و زنجیر در پا نکرده شوند و حمیم نخورانیده
شوند و قطران نپوشانیده شوند و خلود در آتش آنها را نباشد و صورتهای شان بر آتش حرام کرده بسبب سجود

بعضی آنهارا آتش باشد تا قدم و بعضی را تا پاشنه و بعضی را تا ران و بعضی را تا کمر و بعضی را تا گردن
بقدر گناهان شان بعضی ازانها یکساعت و بعضی یکروز یعنی بقدر یکروز دنیا و بعضی یکماه و بعضی یکسال
در دوزخ باشند بعد ازان ازان خارج کرده شوند و درازتر مدت ماندن شان در دوزخ مثل عمر دنیا باشد

فصل چون خواهد که حق تعالی آنهارا از دوزخ برارد یهود و نصاری و بت پرستان وغیره اهل ادیان
باطله مومنان را گویند که ما و شما در دوزخ برابریم یعنی ایمان شما چه فائده کرد حق تعالی در غضب آید
و مومنان را از دوزخ برارد و بسوی چشمه که در میان صراط و بهشت ست بیفگند پس آنها مانند سبزه بروئیند
پستر داخل بهشت شوند و بر پیشانی شان نوشته باشد جهنمیون عتقاء الله بعد مدتی آن نوشته محو شود
پس حق تعالی فرشتگان را بفرستد باز درهای دوزخ بر کسانیکه باقی مانند یعنی کفار بند کنند و میخهای آتشی
بر آنها زنند و احمد از ابی هریره آورده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که بخشش کند الله تعالی بروز قیامت
بر کسانیکه عمل نیک گاهی نکرده اند پس برارد آنهارا از دوزخ بعد سوخته شدن پس داخل بهشت کند برحمت
خود بعد شفاعت شفاعت کنندگان و بزار از ابن عمر روایت کرده که گفته بر آتش وقتی آید که بادها درهای
آنرا در حرکت دارد و کسی دران نباشد شیخ محی الدین عربی ازین حدیث موقوف میگوید که بعد مدتهای مدید
در دوزخ کفار هم باقی نمانند و مراد از خلود آنها مکث طویل ست لیکن این قول مخالف نصوص قطعیه و اجماع
و علما این حدیث را تاویل میکنند و میگویند که جای عاصیان مومنان که طبقه علیاست از دوزخ خالی شود
و کسی از موحدان دران نماند طبرانی از انس و از جابر بسند صحیح آورده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
که مردان از امت من بسبب گناهان عذاب کرده شوند تا وقتیکه خدا خواهد پستر عار دهند آنهارا کفار که
شمارا تصدیق رسول هیچ نفع نکرد پس حق تعالی بفرماید که برارند هر کرا که باشد مسلمان آنزمان کافران
آرزو کنند که کاشکی مسلمان بودی آنحضرت این آیت خواند رُبَمَا یَوَدُّ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ کَانُوا
مُسْلِمِینَ حاصل آنکه مسلمانان را در دوزخ خلود نباشد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هرکه
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ گوید و برهمین اعتقاد بمیرد البته داخل بهشت شود ابوذر گفت که اگرچه زنا
کرده یا سرقه کرده باشد آنحضرت فرمود اگرچه زنا و سرقه کرده باشد باز ابوذر همان گفت باز آنحضرت

بهمان نهج فرموده و در مرتبهٔ سوم گفته علیٰ رَغْمِ اَنْفِ اَبِي ذَرٍّ فرموده هرکه بمیرد درحالیکه شرک نکرده باشد داخل بهشت شود و هرکه بمیرد و مشرک باشد داخل دوزخ شود و احادیث درین باب بسیار اند زیاده از حد تواتر و در بعضی احادیث وارد شده که هرکه شهادت دهد بتوحید و برسالت محمد صلی الله علیه وسلم حق تعالی آتش دوزخ بروی حرام کرده مراد آنست که آتش مؤبده و خلود در دوزخ بروی حرامست بدلیل دیگر احادیث که در عذاب گناهگاران از مسلمین وارد شده و آنچه ابن حبان از ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که هرکه لا اله الا الله گفت نفع خواهد کرد او را روزی از دهر پیش از آن آنچه او را رسد و ترمذی و حاکم از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی بفرماید که از آتش برارید کسی را که روزی مرا یاد کرده و جائی از من ترسیده باشد

فصل در صحیحین از ابن عمر مرویست چون بهشتیان تمام داخل بهشت شوند و همه دوزخیان یعنی کفار در دوزخ مانند استاده شود و بانگ دهنده درمیان شان و آواز کند ای اهل دوزخ موت نیست و ای اهل بهشت موت نیست هریک در آنچه هست همیشه باشد و هم در صحیحین است از ابن عمر و ابی سعید خدری که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که وقتیکه همه بهشتیان در بهشت شوند و دوزخیان در دوزخ مانند موت را بصورت کبش سیاه درمیان دوزخ و بهشت آورده شود و گفته شود ای اهل بهشت و ای اهل دوزخ موت را میشناسید هریک گردن دراز کنند و بنبند و گویند آری این موتست پس او را ذبح کرده شود و گفته شود ای اهل بهشت خلودست و ای اهل دوزخ خلودست موت نباشد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که اگر اهل دوزخ را گفته شود که شما در دوزخ باشید عدد سنگریزهٔ دنیا هر اینه خوش شوند و اگر اهل بهشت را گفته شود که شما در بهشت باشید عدد سنگریزهٔ دنیا هر اینه غمگین شوند لیکن برای انها خلودست ابداً

از ابن مسعود مرویست که چون باقی ماند کسیکه در دوزخ مخلد باشد آنها را در صندوقهای آهنی کرده و بر آن میخهای آهنی زده و آن صندوقها را در صندوقهای دیگر آهنی کرده انداخته شوند پایین تر دوزخ پس هر یک از انها داند که غیر او کسی دیگر در عذاب نیست و هم از ابن مسعود مرویست که منافقان را در صندوقهای آهنی کرده در درک اسفل دوزخ در تنورها تنگ تر از میخ که کوفته شود و تیره کرده شود آنرا جب الحزن گویند

خاک آلوده شدن بینی ابی ذر کنایه از خلاف ... ای بدلیل ... ابن حبان ... ۱۲

... در درک اسفل ... جب الحزن ...

باب پنجم در صفت جنت و در دخول بهشت و نعمتهای بهشت

دخول بهشت محض بفضل خداست جل وعلا در صحیحین از عایشه صدیقه مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم محکم گیرید کار خود را و نزدیکی جوئید بخدا و خوش باشید بدرستی که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او گفتند یا رسول الله و نه ترا فرمود و نه مرا مگر آنکه بپوشد مرا حق تعالی بمغفرت و رحمت خود و در صحیح مسلم از جابر مرویست که آنحضرت فرموده که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او و نه خلاص خواهد کرد کسی را از دوزخ عمل او و نه مرا مگر رحمت از خدا همچنین در احادیث بسیار آمده و این سخن مشکل میشود بقوله تعالی ادخلوا الجنة بما کنتم تعملون یعنی داخل شوید بهشت را بسبب اعمال خود جواب داده میشود بدانکه اصل دخول جنت و خلود در ان بفضل خداست چرا که خلود غیر متناهی است و اعمال متناهی است و تفاوت درجات جنت بسبب اعمال است هناد از ابن مسعود روایت کرده که خواهند گذشت مردم از صراط بعفو خدا و داخل بهشت خواهند شد برحمت خدا و تقسیم خواهند کرد منازل را در بهشت باعمال خود فقیر گوید که چون حق سبحانه تعالی اعمال محقر بندگان را برحمت خود قبول فرموده و جزای اعمال محقر متناهی را دخول جنت و ثواب غیر متناهی مقرر فرموده بعد از ان اگر گفته شود که دخول جنت جزای اعمال است گنجایش دارد و اگر گفته شود که دخول جنت برحمت خداست هم گنجایش دارد طبرانی و بیهقی از سلمان فارسی از آنحضرت روایت کرده که هر کسی را حکم شود بدخول جنت چیزی از حضور عنایت شود با این عبارت بسم الله الرحمن الرحیم هذا کتاب من الله العزیز الحکیم لفلان ادخلوه جنة عالیة قطوفها دانیة یعنی این خط از الله عزیز حکیم است برای فلان که او را داخل کنید بهشت عالی را که میوهٔ آن نزدیک است و چون مردم داخل بهشت شوند خازنان بهشت گویند سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین و از هر در فرشتها بیایند و بگویند سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبى الدار و بهشتیان گویند الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوأ من الجنة حیث نشاء و گویند الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی

لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق وبگویند الحمد لله الذی اذهب عنا
الحزن ان ربنا لغفور شکور وچون مردم داخل بهشت شوند اول طعام شان زیادت جگر ماهی باشد

فصل در صفت جنت وعده داده آن حق تعالی در قرآن میفرماید ولمن خاف مقام ربه جنتان
بوده ومن دونهما جنتان یعنی هرکه خوف کند از استادن پیش پروردگار خود وباز و
نهاد دو بهشت ست و پایین تر ازانها دو بهشت دیگر اند در صحیحین وغیرهما از ابی موسی اشعری مرویست
که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که بهشت چهار اند دو از نقره است عمارتها وانچه درانست از نقره است
و دو از زر است عمارتها وانچه درانست از زر است ونباشد درمیان قوم ورویت خدا مگر پرده کبریا در جنت
عدن دو بهشت از برای سابقین ست و دو بهشت نقره برای تابعین ست و بروایتی برای اصحاب یمین
قرطبی گفته بعضی علما گفته اند جنات هفت اند دار الجلال دار السلام دار الخلد جنت عدن
جنة المأوی جنت نعیم فردوس بهشت وبعضی علما گفته اند که چهار اند چنانچه حدیث ابی موسی دلالت دارد
واز سیاق سوره رحمن مستفاد میشود واین همه نامها هر چهار بهشت راست و در بهشت درجات و
منازل بیشمار اند در صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هرکه ایمان آورد بخدا
ورسول او صلی الله علیه وسلم ونماز گزارد و زکات دهد و روزه رمضان گزارد حق ست بر خدا که او را داخل
بهشت کند در راه خدا جهاد کند یا در خانه خود نشسته باشد یعنی فرایض ادا کند وجهاد فرض عین نیست غالباً
مردم گفتند یا رسول الله خبر بدهیم مردم را بدان فرمود که در بهشت صد درجه است که مهیا کرده است حق تعالی
آن درجات را برای مجاهدین فی سبیل الله میان هر درجه آنقدر تفاوت ست که درمیان آسمان و زمین ست
پس چون سوال کنید از حق تعالی سوال کنید فردوس را که بهتر جنت ست و بالای آن عرش رحمن ست و
از انجا نهرهای بهشت میشگافد ازین حدیث معلوم میشود که صد درجه مجاهدین فی سبیل الله راست
و برای دیگر اهل حسنات دیگر درجات باشند و در دیگر احادیث آمده از معاذ و عباده بن الصامت
رضی الله عنهما که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم بهشت را صد درجه است میان هر دو درجه مانند
تفاوت آسمان و زمین ست و فردوس اعلی از همه است شاید که مراد ازین احادیث درجات مجاهدین باشد

و در حدیثی آمده که هر که یک تیر بسوی دشمن خدا اندازد حق تعالی درجهٔ او بلند کند در میان دو درجه صد ساله راه باشد
و در حدیثی آمده که در بهشت صد درجه است میان هر دو درجه تفاوت آسمان و زمین است در درجهٔ اول خانها
و تختها و درها و دیوارها و قفلها از نقره است و در درجهٔ ثانیه آن همه از زر است و در درجهٔ سوم همه آن از یاقوت
و جواهر و زبرجد است و نود و نهفت درجه باقی است که نمیدانند آنرا جز حق تعالی و مسلم از ابی هریره روایت
کرده که آنحضرت فرمود آیا خبر دار نکنم شما را بر آنچه دور کند خطایا و بلند کند درجات گفتند بلی فرمود اسباغ
وضو بر مکاره یعنی در حالت ناخوش آمدن استعمال آب و ضو نیکو کند و در رفتن بمسجدها و انتظار نماز بعد نماز
همین است رباط و بیهقی از عایشه روایت کرده که آنحضرت فرمود که درجات بهشت بعدد آیتهای قرآن است
پس هر که داخل شود در بهشت از اهل قرآن بالای او درجه نباشد یعنی هر که تمام برکات قرآن گیرد تمام درجات
را در گیرد این حدیث را بران حمل نباید کرد که درجات بهشت شش هزار و ششصد و شصت و شش است
بعدد آیات قرآن بلکه حمل بران باید کرد که هر قدر که آیات قرآن را تکرار کند برای او درجات بهشت میفزاید
اصحاب سنن و ابن حبان از ابن عمر روایت کرده که آنحضرت فرمود صاحب قرآن را گفته شود که قرآن بخوان
و ترقی کن و ترتیل کن چنانچه ترتیل میکردی در دنیا و در حدیثی آمده که مردی در بهشت نظر بفوق کند نوری
از فوق درخشد که بصر او را خیره کند بگوید که این چیست گفته شود که این نور برادر تست فلان گوید که من
و او در دنیا باهم بودیم و عمل میکردیم و اینقدر او را بر من فضل چرا شد گفته شود که او از تو در عمل افضل بود
حق تعالی در دل او رضا داد حسد نکند و در حدیثی سبب افضلیت مذکور شده که آنها گرسنگی کشیدند
و شما سیر بودید و آنها تشنگی می برداشتند و شما سیراب میشدید و آنها شبها بیداری میکردند و شما خواب
میکردید و در حدیثی آمده که نزد خدا درجه ایست که تا آنجا بعمل نتوان رسید حق تعالی بنده را مبتلا کند
تا آنجا رسد و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که در بهشت درجه ایست که نمیرسد آنرا مگر اصحاب هموم و فرمود
در بهشت درجه ایست که نرسد آنرا مگر سه کس بادشاه عادل و ذو رحم وصل کننده و عیالدار صابر
فصل حق تعالی میفرماید وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ
وَمَا أَلَتْنَاهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَيْءٍ یعنی کسانیکه ایمان آوردند یعنی ایمان کامل و تبعیت کردند آنرا

اولاد آنها بایمان یعنی آنها مومن هم هستند لاحق کنیم با آنها اولاد آنها را و از عمل شان چیزی کم نکنیم
آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی ذریت مسلمان را بدرجه او رساند برای سرور چشم او
و در حدیثی آمده که چون مرد داخل بهشت شود از مادر و پدر و فرزندان خود بپرسد گفته شود که شما بدرجه
تو نرسیده اند و مثل تو عمل نکرده اند گوید ای پروردگار من آنچه عمل کرده ام برای خود و برای آنها کرده ام
پس امر شود بالحاق آنها و فرموده که هرکه بلندی درجات خواهد باید که عفو کند کسی را که بروی ظلم کرده
و بدهد کسی را که او را محروم کرده و وصل کند با کسی که از وی قطع کند و فرموده هرکه برساند بسوی بادشاه
برادری را برای جلب نفع یا دفع ضرر خدا درجات او بلند کند و فرموده که هرکه اعانت کند یا فال از پرنده
گیرد و از سفر باز ماند بدرجات بلند نرسد و ابراهیم تیمی گفته که هر شخص هر قدر که در دنیا از طعام یا شراب
حظ بردارد در آخرت درجه او کم شود فقیر گوید که این قول محمول بر اسراف است وگرنه در حدیث آمده
الطاعم الشاكر كالصائم الصابر ابن عمر گفته که شخصی با غلام خود داخل بهشت شود و درجه غلام
بلند باشد بگوید ای پروردگار این غلام من بود در دنیا گفته شود که این دیگر خدا بیشتر از تو کرده طبرانی از
ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که روز قیامت حق تعالی ندا کناند که من نسب مقرر کرده بودم
و شما نسب دیگر گفتید من متقی را اکرم ساختم و شما اینمعنی نه پسندیدید و گفتید که فلان بن فلان از فلان
بن فلان بهتر است امروز نسب مقرر کرده خود را بلند کنم و نسب شما را پست سازم متقیان کجا اند یعنی
مرتبه متقیان بقدر تقوی بلند شود و در حدیثی آمده که دو دو کس در راه خدا هم صحبت باشند و اعمال صالحه کنند
غنی و فقیر صحیح و مریض حر و مملوک نیک خلق و بد خلق حق تعالی مرتبه صحیح بر مریض و حر بر مملوک و
غنی بر فقیر و نیک خلق بر بد خلق برتر کند فقیر و مریض و مملوک و بد خلق گویند الهی ما باهم در راه تو هم صحبت
بودیم و عمل صالح میکردیم اینها را بر ما چرا فضیلت دادی گفته شود که غنی مال خود در راه خدا خرج کرده
و صحیح و حر از مریض و مملوک در اعمال صالحه زیادتی کرده اند و نیک خلق را بسبب حسن خلق فضیلت شده
فقیر گوید که الهی اگر مرا مال میدادی من هم در راه تو خرج میکردم و مریض و مملوک گویند الهی اگر مرا صحیح و حر میکردی همچنان
عمل میکردم حق تعالی فرماید که راست گفته اند پس فقیر را برابر غنی و مریض را برابر صحیح و مملوک را برابر حر مرتبه داده شود و بد خلق هیچ جواب نیابد

خورنده سپاسگزار مانند روزه دار صبر کننده است

فصل بهشت را هشت دروازه باشد نمازیان را از باب الصلوة و صائمان را از باب الصوم
و صدقه دهندگان را از باب الصدقه و مجاهدان را از باب الجهاد طلبیده شود ابوبکر گفته یا رسول الله
از هر دری که طلبیده شود خوب است لیکن کسی باشد که از همه دروازها او را طلبیده شود فرمود امید دارم
که تو از ان مردم باشی قرطبی گفته از همه درها طلبیدن بنابر اکرام ست در حدیثی آمده که انسان هر
عمل که بیشتر کند بهمان در طلبیده شود در حدیث آمده که هرکه بعد وضو اَشْهَدُ اَنْ لَّآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ
لَا شَرِيْكَ لَهٗ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ گوید هشت دروازه بهشت برای او کشاده شود
از هر چه خواهد داخل شود و فرموده که هرکه نماز پنجگانه و روزه رمضان کند و زکات دهد و از هفت کبیره
پرهیزد هشت دروازه بهشت برای او کشاده شود و بشارت بکشادن هشت دروازه بهشت
وارد شده در حق کسی که سه فرزند طفل او را مرده باشند و در حق کسی که تشنه را آب دهد و گرسنه را
از طعام سیر کند و در حق زنی که تقوی کند و محافظت فرج خود و متابعت زوج خود کند و در حق کسی که
چهل حدیث یاد کند که مردم را نفع دهد در حق کسی که او را دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه باشد و آنها را پرورش کند
فصل رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که دیوارهای بهشت را خشتی از زر و خشتی از سیم و بجای گل
مشک باشد و سنگریزهای آن مروارید یا یاقوت و خاک آن زعفران هرکه داخل بهشت شود همیشه
خوش باشد ناخوش نشود و همیشه باشد نمیرد و پارچه او کهنه نشود و جوانی او زائل نگردد و نهرهای بهشت
در غار نروند بالای زمین روند در میان دو بازوی دروازه بهشت چهل ساله راه باشد روزی چنان از دحام
شود که مردم پهلو به پهلو زنند و تنگ باشند و در صحیحین ست که داخل بهشت شوند از امت من هفتاد هزار
یا هفت لک راوی شک کرده داخل شوند برابر دست بدست گرفته روی شان باشند ماه شب چهاردهم باشد
فصل در بهشت غرفها باشند بلند از جواهر شفاف که ظاهر آن از باطن و باطن آن از ظاهر دیده شود
اهل بهشت اهل غرفها را بینند بالای خود چنانچه ستاره دور در افق مشرق یا مغرب دیده شود برای
تفاضل که در میان شان باشد گفتند یا رسول الله آن منازل انبیا را باشد دیگران تا آنجا نرسند
فرمود قسم بخدا که آن منازل مردمان را باشد که ایمان آورده باشند بخدا و تصدیق کرده باشند پیغمبران را

پنجم بناحق مال یتیم خوردن ششم روز جنگ گریختن هفتم تهمت زنا نهادن بر زنان پاک ایمان دار از بیخبر کذا فی المشکوة ۱۲

و درحدیثی آمده که غرفها برای کسان باشد که با هر یک کلام نیکو بنرمی گویند و مردم را طعام خورانند و شبها
نماز گزارند درحالیکه مردم خفته باشند و درحدیثی آمده و با هر یک سلام گویند و درحدیثی امده و روزها
متصل دارند و درحدیثی آمده کسی که برادر خود سلام گوید و سلام دهنده را جواب سلام گوید او گویا
افشای سلام کرده و کسیکه اهل و عیال خود را از طعام سیر کرده پس اطعام طعام کرده و هر که ماه رمضان
و سه روز از هر ماه روزه داشت گویا همیشه روزه داشت و هر که نماز عشا و فجر بجماعت خواند او نماز خواند
در شب درحالیکه مردم یعنی کافران در خواب باشند این سخن رسول کریم فرمود مردی را که گفت یا رسول الله
کرا طاقت ست که افشای سلام و اطعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کند وَالنَّاسُ نِيَامٌ حاصل آنکه
اگر زیاده طاقت نباشد اینقدر هم کافیست اگر فضل آلهی شامل حال ست و درحدیثی آمده که حق تعالی غرفهای
بهشت مهیا کرده هست برای کسانیکه برای خدا دوستی دارند و ملاقاتها نمایند و انچه خرج کنند برای خدا کنند
و درحدیثی آمده که غرفهای بهشت را نه علاقه باشد از فوق و نه ستون باشند از تحت مردم گفتند
پس چگونه آنجا رسند فرمود مانند پرنده پریده رسنده باشند آن غرفها صاحب بیماریها و صاحب دردها و بلاها
و از عمران بن حصین و ابی هریره مرویست که از آن حضرت احوال مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ
پرسیده شد فرمود قصر باشد از مروارید در ان قصر هفتاد خانه باشند از یاقوت سرخ در هر خانه هفتاد حجره
باشد از زمرد سبز در هر حجره هفتاد تخت باشند بر هر تخت هفتاد فرش باشد رنگارنگ بر هر فرش زوجه
از حور و در هر حجره هفتاد خوان بر هر خوان هفتاد رنگ طعام و در هر خانه هفتاد غلام و هفتاد کنیز و مسلمانرا
قوت جماع آنقدر باشد که با همه زوجات جماع کند در احادیث اعمال صالحه که سبب بنای خانه
در بهشت باشند بسیار مذکور شده اند از انجمله بنا کردن مسجد و مواظبت بر سنن رواتب و نماز ضحی
و چهارگانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن درمیان مغرب و عشا و سورهٔ دخان خواندن شب جمعه و
روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و درحدیث آمده که هر که وقت داخل شدن
بازار گوید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي
وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ نوشته شود برای او هزار در هزار حسنه

اعمال صالحه که سبب بنای خانه در بهشت باشند

هرکه ده بار سورهٔ اخلاص خواند یکخانه برای او در بهشت بنا کرده شود و اگر بیست بار خواند دو خانه و اگر سی بار خواند سه خانه عمر گفت یا رسول الله درینصورت بسیار خانها در بهشت کنیم فرمود که فضل خدا فراخ ترست طبرانی از حکیم بن محمد روایت کرده که بسبب ذکر خدا بناها در بهشت میشود و چون شخص از ذکر بند میشود از بنا کردن بند میشوند پس گفته شود آنهارا که چرا باز ماندید از بنا گویند تا که بار النفقه رسد همچنین از علی بن ابو نعیم روایت کرده و در حدیثی آمده هرکرا پسر بمرد و او صبر کرد و حمد گفت و اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّآ اِلَيْهِ رَاجِعُوْنَ گفت حکم شود که بنا کنند برای بندهٔ من خانه در بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هرکه در صف نماز یا صف قتال فرجه بند کند حق تعالی درجهٔ او بلند کند و بنا کند برای او خانه در بهشت و فرمود هرکه دروغگوئی ترک کند خانهٔ او در بهشت بنا شود و هرکه ترک کند جدال را و محق باشد بنا کند خدا برای او خانه در میانهٔ بهشت و هرکرا خلق حسن باشد در اعلی بهشت خانهٔ او باشد و فرمود هرکه در رمضان نماز خواند بهر سجده هزار حسنه نوشته شود و خانه در بهشت بنا شود از یاقوت سرخ و فرمود هرکه قبر مسلمانی کند خانهٔ او در بهشت بنا شود

فصل بوی بهشت از پانصد ساله راه رسد و در بعضی احادیث آمده از هفتاد ساله راه و در بعضی پانصد و هفتاد ساله راه و در حدیثی آمده از هزار ساله راه رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هرکه ذمی را بکشت او را بوی بهشت نرسد و همچنین وارد شده در حق کسی که رعیت خود را رعایت و پرورش نکند و در حق کسی که خود را بغیر پدر خود نسبت کند و در حق کسی که منت نهد بعمل خود و کسیکه نافرمانی والدین کند و کسی که مدمن خمر باشد و کسیکه قطع رحم کند و کسیکه در پیری زنا کند و کسیکه بتکبر ازار خود بر زمین کشد و کسیکه خضاب سیاه کند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردی که مر دود در دل او مقدار دانهٔ خردل کبر باشد حلال نیست او را که بوی بهشت بوی رسد یا بهشت را ببیند

فصل در صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که درختان بهشت آنچنان باشند که اگر در سایهٔ او سوار صد ساله راه رود سایهٔ او را قطع نکند و ترمذی از اسماء بنت ابی بکر از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که در ذکر سدرة المنتهی فرموده که سیر کند سوار در سایهٔ یک شاخ وی صد ساله را

۵ سدرة المنتهی بالکسر درختی کنار است در آسمان هفتم کی منتهای اعمال مردم گشت ۱۲

و دران پردانهای زر باشند و ثمر آن مثل قلها باشند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم طوبی درختیست در بهشت
صد ساله راه پارچه پوشاک بهشتیان ازان براید و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم درختی در بهشت نباشد
مگر آنکه تنه او از زر باشد و از ابن عباس مرویست که نخله بهشت رانتها زمرد سبز و شاخهای آن طلا سرخ
و برگ آن پوشاک اهل بهشت قطعی و هم حللها و ثمر آن مثل قلال سفید از شیر و شیرین تر از عسل و نرم تر
از زبد و نباشد او را هسته سلمان فارسی رضی الله عنه چوبی خرد در دست گرفت و گفت اگر در بهشت
اینقدر چوب طلب کنی نیابی مردم گفتند که آنجا نخل و شجر باشد فرمود که بیخ و تنه آن از مروارید و زر باشد
و بالای آن ثمر باشد یک اعرابی از آنحضرت صلی الله علیه و سلم گفت یا رسول الله در بهشت درختی مذکور شده که
ایذا میکند صاحب خود را فرمود آن چیست گفت سدره فرمود حق تعالی میفرماید فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ
یعنی قطع کرده شده قطع کند حق تعالی خار او را بجای هر خار ثمره باشد از هر ثمره هفتاد و دو رنگ براید که
مشابه یکدیگر نباشد و ثمره درختان بقسمی باشد که استاده و نشسته و بر زمین خفته بهر حال میتوان گرفت
مجاهد رضی الله عنه گفته که زمین بهشت از نقره باشد و خاک او از مشک و درختان از زر و نقره و شاخها
از مروارید و زمرد و ثمرها بقسمی که استاده و نشسته و خفته آنرا بگیرد و مسروق رضی الله عنه گفته که ثمره
جنت هرگاه شکسته شود بجای آن دیگر قائم شود و ابی هریره گفته که سدره بهشت را طوبی گویند حق تعالی
میفرماید بشگاف برای بنده صالح من هرچه خواهد پس بشگافد از ان اسپ مع زین و لگام چنانچه خواهد و براید
شتر با رحل و مهار بقسمی که خواهد و براید پارچه آنچه خواهد و در احادیث وارد شده که هر که سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيْم
گوید برای او درختی در بهشت نشانده شود رسول صلی الله علیه و سلم ابو هریره رضی الله عنه را دید که
درختی می نشاند فرمود که دلالت کنم من ترا بر درختی بهتر ازین گفت آن چیست فرمود سُبْحَانَ اللهِ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ بهر کلمه ازین درختی برای تو نشانیده شود رسول صلی الله
علیه و سلم ابراهیم علیه السلام را در خواب دید گفت یا محمد امت خود را از من سلام بگو و خبر ده که بهشت خوش
خاک ست و شیرین آب و آن بی درخت ست درختهای آن لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ ست و آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که نزد ختم قرآن دعا قبول شود

و درخت در بهشت نشانده شود و آبن عباس رضی الله عنه گفته که هر که برای کار نیک و دبر و جانوران
زمین و دریا رحمت فرستند و بهر قدم در بهشت درختی نشانده شود و گناهان او بخشیده شود و حق تعالی
میفرماید فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ○ وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ ○ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَا مَقْطُوعَةٍ
وَلَا مَمْنُوعَةٍ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ○ ابن عباس رضی الله عنه
گفته که در دنیا از ثمرهای بهشت نیست مگر نام و گفته هر چه در دنیا از ثمره هست شیرین و تلخ تا که حنظل در بهشت هم هست
یعنی صورتها هر یک از ثمرها در بهشت باشند لیکن در حقیقت و لذت چیزی دیگر باشد و ثمره بهشت را دوازده گز طول باشد و حسنه نباشد
فصل حق تعالی میفرماید وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
بدرستیکه تو بینی پرنده در بهشت و رغبت کنی در خوردن آن بیفتد پیش تو بریان شده و آبی امامه گفته
مردی در بهشت رغبت طیری کند افتد پیش او مثل شتر بختی نرسیده بوی دود و نه آتش پس از ان بخورد
تا که سیر شود باز آن پرنده بپرد رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اهل بهشت طعام خورند و بنوشند و بول نکنند
و آب دهن و آب بینی نینداز ند طعامیکه خورند از آروغ و عرق بیرون رود و بوی آن مثل بوی مشک
باشد و فرمود مردی را در بهشت در خوردن و نوشیدن و جماع کردن قوت صد مرد باشد
فرمود که مومنان را از طرف خدا ایا آیند در او قاتی که نمازها میخواندند و فرشتگان بر ایشان سلام گویند
فصل در بهشت نهرها باشد از آب و از شیر که متغیر نشود و از خمر و از عسل و چشمه باشد سلسبیل نام که
شدید الجریان باشد و چشمه باشد کافور نام و چشمه باشد زنجبیل نام و چشمه باشد تسنیم نام که بهترین
شرابهای بهشت است صرف از ان مقربان خورند و دیگران را از ان خلطی شود و حق تعالی میفرماید و
مِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که
نهرهای بهشت از کوه مشک بر آیند و فرموده که نهرهای بهشت در غار نروند بر روی زمین روند کنار
شان از مروارید و خاک آن از مشک باشد و از ابن عباس رضی الله عنه مرویست که در بهشت
نهریست که آنرا بیدح گویند بر روی قبها باشند از یاقوت زیر آن دختران باشند رویده مردم
برای سیر آنجا آیند و آن دختران را ببینند اگر دختری کسی را خوش آید دست خود بوی رساند

آن دختر همراه او شود و بجای او دختری دیگر برویده در حق نهرهای بهشت حق تعالی میفرماید

یُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا یعنی اهل بهشت هرجا که خواهند آن نهرها را آنجا برند با اهل بهشت قضیبها باشند

انهر از ان قضیبها اشاره کنند همراه آن قضیبها نهرها جاری شوند احمد از ابی سعید خدری روایت کرده

که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که هرکه مسلمان از تشنگی آب خوراند حق تعالی او را از رحیق مختوم خوراند

و رحیق مختوم عبارت از خمریست که در آخر آن لذت و بوی مشک باشد و از خمر بهشت صداع نشود

چنانچه در قرآنست و عقل زائل نگردد و چون اهل بهشت را رغبت شراب شود بدست او آنقدر داده شود

که نه زیاده باشد از خواهش او نه کم و فرمود که هرکه در دنیا خمر خورد و توبه نکند در آخرت از آن محروم باشد

اگرچه داخل بهشت شود و فرموده که هرکه خمر خورد در دنیا یا بچه صغیر را خورانید او را حق تعالی حمیم جهنم

خوراند و هرکه بخوف خدا خمر را ترک دهد با وجود قدرت بران او را در حظیرة القدس خورانیده شود و در حدیث

وارد شده که در بهشت درخت باشد که از ان لباس بهشتیان براید اگر خواهد سفید و اگر خواهد سرخ و اگر خواهد

سبز و اگر خواهد سیاه و اگر خواهد زرد باریکتر و خوبتر ابن ابی حاتم از کعب احبار آورده که اگر یک جامه بهشت را کسی

در دنیا پوشد چشمها دیدن آنرا تحمل نشوند هرکه آنرا ببیند بیهوش شود و بمیرد و صابونی از عکرمه روایت کرده

که لباس بهشتی در یک ساعت هفتاد رنگ تبدیل شود و در صحیحین مرویست که آنحضرت فرموده هرکه حریر در دنیا پوشد

در آخرت نپوشد اگرچه داخل بهشت شود و فرموده که هرکه در دنیا در ظرف زر یا نقره خورد در آخرت از آن نخورد

فصل در صحیحین است که مومن را زیور پوشانیده شود تا جائیکه آب وضو آنجا رسیده و حاکم و ترمذی و غیره

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که بهشتیان را تاج باشد که ادنی مروارید آن تا بین مشرق و مغرب روشن سازد

و آنحضرت فرموده که هرکه مرده را کفن پوشاند او را از سندس و استبرق بهشت پوشانیده شود و فرموده هرکه

مصیبت زده را تعزیت کند حق تعالی او را دو حله پوشاند که تمام دنیا بقیمت آن نرسد و فرموده که هرکه

ترک لباس زینت کند بتواضع با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلائق طلب کند و مختار سازد از حلهای

ایمان هرچه خواهد پوشد مفسران گفته اند که کسی از اهل بهشت نباشد مگر آنکه او را سه دست بند باشد

یکی از زر دوم از نقره سوم از مروارید از کعب احبار مرویست که حق تعالی فرشته پیدا کرده است که از روز

پیدایش خود تا روز قیامت زیور بهشتیان تیار میکند از سعید بن جبیر در تفسیر قوله تعالی بطائنها
من استبرق یعنی فرشهای بهشتیان را استر از استبرق باشد مرویست که گفته که ظواهر آن یعنی ابرهای شان از نور جامد باشد
فصل متکئین فیها علی الارائک یعنی تکیه زده بر اریکها بنشیند اریکه را در هندی چپرکهت گویند
که در زیر آن تخت یعنی چارپائی باشد و بالای آن حجله باشد مجاهد گفته اریکها باشند از مروارید و یاقوت
و نمارق مصفوفة یعنی تکیها باهم صف بسته از ابن عباس مرویست که خیمه از مروارید مجوف باشد
فرسخ در فرسخ چهار هزار تخته از زر در آن باشد متقابلین یعنی اهل بهشت رو برو بنشینند بعضی بعضی را
پشت ندهند و در صحیحین از ابی موسی اشعری از آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرویست که خیمه یکی مروارید مجوف باشد
که شصت کروه عرض آن باشد در هر گوشه از آن اهل خانه باشند بر مومن که دیگر اهل خانه را نبینند و آن مومن به همه آنها بگذرد
فصل در صحیحین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرویست که هر کس را در بهشت دو زوجه باشد و ترمذی بسند صحیح از انس
از آنحضرت روایت کرده که تزویج کرده شود مومن هفتاد زوجه گفتند یا رسول الله قوت هفتاد زن داشته باشد
فرمود که قوت صد زن داده شود و ابن عساکر و ابن السکن از حاطب بن ابی بلتعه و احمد و ترمذی از ابی سعید خدری
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که هفتاد و دو زن باشند هفتاد از خلقت بهشت و دو زن
از اهل دنیا ازین روایت تطبیق هر سه روایت گشته و در بعضی روایات عدد نساء بکثرت بسیار آمده
شاید آن باعتبار بعض اشخاص باشد لیکن در روایت دو زن از اهل دنیا شبهه پیش می آید که در حدیث صحیح
که آنحضرت زنان را گفت اُرِيتُكُنَّ اَكْثَرَ اَهْلِ النَّارِ یعنی نموده شدم من اکثر اهل دوزخ زنان را زنان گفتند
بچرا یا رسول الله فرمود که شما بسیار لعنت میکنید و کفران نعمت شوهران می نمائید و نیز آنحضرت غرابها را
دیدند در آن غرابها یکی بود سفید بازو ها سرخ منقار و سرخ پا فرمود از زنان داخل بهشت نشوند مگر مانند
این غراب از غرابها یعنی بسیار کم و از حدیث معلوم میشود که زنان در بهشت از مردان مضاعف باشند
توجیه چنان میتوان کرد که مراد از نفی دخول زنان در بهشت آن باشد که بدون تعذیب داخل بهشت نشوند لیکن
انجام شان به بهشت باشد و مراد اَكْثَرُ اَهْلِ النَّارِ دُخُوْلًا لَا خُلُوْدًا بدلیل آنکه علت دخول شان
در دوزخ کفر نخواند انفرموده بلکه اکثار لعن و کفران شوهر فرموده و محتمل که مراد آن باشد که هر کس را از امت محمدی

حاصل آنکه نموده شدم من ای زنان اکثر دوزخی

دو زن باشند گو از زنان امم سابقه باشند یا طفل مرده باشند از اطفال مومنین یا اطفال کفار و وقت
دخول جنت جوان باشند در نکاح مردان مکلف داده شوند لیکن زنان که در دنیا نماز و روزه کرده اند
از همه بهتر باشند زنان بهشت پاک باشند از حیض و بول و غایط و آب دهن و آب بینی و ولد و منی آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود که اگر زنی از زنان بهشت ظاهر شود ما بین آسمان و زمین روشن و خوشبو کند و روشنی
آفتاب را بپوشد و دامنی سر او از دنیا و ما فیها بهتر باشد و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که در شب معراج
چون داخل بهشت شدم در موضعی که بیذخ نام دارد و دران خیمه یاقوت و مروارید و زبرجد بود آواز زنان شنیدم
السلام علیک یا رسول الله پرسیدم یا جبرئیل اینچه آواز است گفت این ﴿مَقْصُوْرَاتٌ فِي الْخِيَامِ﴾
اند از حق تعالی اذن خواستند که بر تو سلام گویند اذن شد پس آنها گفتند ما زنانیم راضی گاهی ناخوشی
نکنیم و همیشه باشندگان گاهی سفر نکنیم طبرانی از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرموده که حوران بهشت از زعفران مخلوق باشند و ابن مبارک از زید بن اسلم آورده که پیدایش آنها
از مشک و زعفران و کافور باشد از خاک و طبرانی و بیهقی از ام سلمه روایت کرده که آنحضرت فرمود
صلی الله علیه وسلم که زنان دنیا از حوران بهشت در حسن افضل باشند مانند فضل ابره بر استر بسبب نماز و روزه حق تعالی
رویهای شان را نور بخشد و جسدهای شان را سفیدی و خوبی و مجامر شان از مروارید و شانهای شان از زر باشد ام سلمه
پرسید یا رسول الله زنی در دنیا دو شوهر کند یا سه یا چهار در بهشت کرا باشد فرمود که او را اختیار داده شود
پس اختیار کند نکوتر را در اخلاق و همچنین ام حبیبه روایت کرده و ابن سعد از ابی الدرداء روایت کرده که زن آخر
ازواج را باشد و ابن سعد از ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده که اگر زنی را شوهر صالح
مرد و آن زن شوهر دیگر نکرد در بهشت با وی جمع شود حق تعالی میفرماید ﴿إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً﴾
﴿فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا عُرُبًا أَتْرَابًا﴾ یعنی حق تعالی زنان دنیا را چون در بهشت داخل خواهد کرد
باکره و عاشقهٔ شوهر خود و همه زنان بیک عمر باشند و ترمذی و بیهقی از انس از آنحضرت صلی الله
علیه وسلم روایت کرده که پیرزنان کور چشم و چرکین چشم را حق تعالی جوان و ابکار سازد و نیز همچنین ام سلمه
روایت کرده و در دیگر احادیث آمده که اهل بهشت مرد و زن همه بیک عمر باشند سی و سه ساله

حق تعالی میفرماید حُوْرٌ عِیْنٌ یعنی سیاه چشم و کلان چشم کَاَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَکْنُوْنِ ۝
یعنی مانند مروارید در صدف و میفرماید خَیْرَاتٌ حِسَانٌ یعنی نیک خو و خوشرو ابن مبارک از
اوزاعی روایت کرده نیک خو باشند زبان دراز بیهوده گو نباشند رشک یکدیگر نکنند ایذا ندهند
قٰصِرٰتُ الطَّرْفِ یعنی چشم خود بر ازواج خود کوتاه دارند بسوی دیگری نه بینند و فرموده
کَوَاعِبَ اَتْرَابًا یعنی پستان نوخاسته هم سن ابن ابی الدنیا از انس از انحضرت صلی الله
علیه وسلم روایت کرده که حور بهشتی اگر در دریای شور آب دهن اندازد تمام دریا شیرین شود بیهقی
از ابن عباس از ان سرور روایت کرده که اهل بهشت را قوت جماع آنقدر باشد که در صبحگاه
با صد زن جماع کند و طبرانی از ابی امامه از انحضرت روایت کرده که آلات مجامعت مانده نشود
و شهوت منقطع نگردد و بزار وغیره از ابی سعید از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که
اهل بهشت با زنان خود جماع کنند باز زن باکره شود لیکن از جماع در جنت توالد نباشد و اگر
کسی احیانا آرزوی ولد کند حمل و زادن و جوان شدن مولود در یک ساعت دست دهد کذا رواه الترمذی
والبیهقی وغیرهما عنه صلی الله علیه وسلم در حدیثی آمده که مردی با یکی از حور عین صحبت داشته باشد
ناگاه نوری از بالا ظاهر شود گمان برد که تجلی حق شده ظاهر شود که حوری ست بهتر از اولی میگوید که ای
ولی خدا آیا مرا با تو نصیبی نیست چندی با وی صحبت دارد باز همچنین دیگری ظاهر شود بهتر از ثانیه
و همچنین و همچنین رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که غصه فرو برد با وجود قدرت حق تعالی او را
بر سر خلائق طلب کند و مختار سازد در حوران هر کرا خواهد بگیرد و فرموده که سه چیز اند هر کسی را یکی از ان
باشد او را حور عین داده شود کسی که امانت مخفی بخوف خدا ادا کند و خیانت نکند و کسی که قاتل
خود را ببخشد و کسیکه بعد هر نماز سورهٔ اخلاص خواند و فرموده مهر حوران قبضهای خرما و پارچهای
نان ست یعنی انچه بدرویشان بدهد و فرمود ... رفتن مساجد مهر حوران ست و فرموده که بهشت
زینت میگیرد از سالی تا سالی برای ماه رمضان و حوران زینت میگیرند از سالی تا سالی دیگر برای ماه رمضان
چون رمضان داخل شود بهشت گوید الٰهی بگردان درین ماه از بندگان خود ساکنان درمن و حوران

گویند الهی بگردان از بندگان خود برای ما شوهران که سرد شود چشم ما از انها و چشم آنها از ما و فرمود در بهشت حور باشند عینا یعنی فراخ چشم هفتاد هزار غلام بر دست راست و همچنین بر دست چپ او راه روند و بگویند کجا باشند امر کنندگان بمعروف و نهی کنندگان از منکر و فرمود که اگر زنی مردی را در دنیا ایذا کند زن اواز حوران گوید ایذا مده این را که مهمان ست نزد تو قریب ست که از تو جدا شود و بسوی ما آید حوران بهشتی را گفته شود که میخواهید که شوهر خود را ببینید گویند آری انگاه پردها از میان برداشته شود و او را ببینند و اشتیاق ملاقات

فصل از ابی هریره و ابن عمر و غیره مرویست که حوران بآواز خوش سرود کنند کسی نشنیده باشد مثل آن به تسبیح و تقدیس و حمد و ثنای پروردگار و شکر او تعالی باین الفاظ نحن حور حسان أُهْدِينَا لِأَزْوَاجٍ كِرَامٍ وَنَحْنُ الْخَالِدَاتُ فَلَا نَمُوتُ وَنَحْنُ الرَّاضِيَاتُ فَلَا نَسْخَطُ وَنَحْنُ الْآمِنَاتُ فَلَا نَخَافُ وَنَحْنُ الْمُقِيمَاتُ فَلَا نَظْعَنُ و در حدیث ست که اگر اهل بهشت رغبت سرود کنند بادها را حکم شود که و شاخهای سبز درختان که از مروارید ست در آیند و حرکت دهند بقسمی که آوازها خوش سرایند و درختان را حکم شود که بندگان من که خود را در دنیا از معازف و مزامیر باز داشته بودند آنها را بشنوانند پس آوازهای خوش از درختان به تسبیح و تقدیس بر آید و نیز ملایکه آوازهای خوش به تسبیح و تقدیس گویند و گویند لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ و نیز در حدیث آمده که داود علیه السلام را حکم شود و آن حضرت بآواز خوش حمد خدا خواند و حکیم در نوادر الاصول از ابی موسی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که فرموده که هر که در دنیا سرود بشنود او را اذن نشود که آواز روحانیان قرای اهل بهشت بشنود

فصل ظروف در بهشت از زر و از نقره باشند شفاف مثل شیشه قوله تعالی كَانَتْ قَوَارِيرَا قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ همین معنی دارد ظرف زر و نقره در دنیا هر چند باریک باشد شفاف نباشد هر کس را از اهل بهشت هفتاد ظرف از زر و نقره پیش آورده شود و در هر یک رنگی از طعام باشد که در دیگر نباشد

فصل مردم که داخل بهشت شوند عداوتهای شان که در میان باشد دور شود و با هم دوست و محب شوند ادنی اهل بهشت را هزار خادم باشد و در حدیثی پنجهزار آمده و در حدیثی ده هزار خادم از ولدان مخلد یعنی امردان که همیشه امرد باشند در قرآن ست که ملائکه در بهشت داخل شوند و بر مومنان سلام گویند

در بهشت کذب و لغو و هزل و شتم و مانند آن نباشد مردی پرسید یا رسول الله در بهشت اسپ باشد فرمود اگر داخل بهشت شوی
هرگاه سواری اسپ خواهی اسپی از یاقوت سرخ را سوار شوی او را پر باشد ببرد با تو و هر جا که خواهی رساند دیگری گفت
یا رسول الله شتر باشد فرمود اگر داخل بهشت شوی هر چیز را که دل تو خواهد و چشم ترا لذت دهد مهیا باشد

فصل در بهشت بازار باشد که دران بیع و شرا نیست مگر صورتهای مردان و زنان دران باشند
هر صورت که کسی را خوش کند بهمان صورت گردد طبرانی از ابی الدرداء از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
روایت کرده در جنت عدن سوای انبیاء و شهدا و صدیقان کسی نباشد و باشد دران انچه در خطره کسی
هم نگذشته باشد فقیر گوید که شاید مراد ازین حدیث آن باشد که دران رویت حق تعالی دائمی باشد مسلم
از انس از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که در بهشت بازار باشد دران تودهای مشک باشند
روز جمعه مردم در انجا روند باد شمال برانها وزد و مشک بر رویهای و پارچهای ایشان افشاند حسن و جمال زیاده
شود چون نزد اهل خود روند آنها گویند والله شما حسن و جمال زیاده کردید و در احادیث آمده که طیور بهشت در
تشیل شتر بختی باشند چون شخصی قصد خوردن آن کند بر خوان او پیش آید و ازان هر لذت خورد باز
آن طائر بپرد و برود و در بهشت با هم ملاقاتها کنند بر شترها سوار شده و بر اسپان که نه بول کنند و نه سرگین
و ابن ابی الدنیا از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که در بهشت درختی
باشد که از بالای آن حلها و از زیر آن اسپان ابلق از زر که زینهای شان و لگامهای شان از مروارید
و یاقوت باشد و آنها را پر باشد و آنها قدم نهند جائیکه بصر رسد اولیاء الله بران سوار شوند و بگذرند
و دیگر مردم که در مرتبه پست باشند بگویند یا الهی اینها کیستند که نور شان نورهای ما را فرو نشانده فرمانده
که اینها در راه خدا انفاق میکردند و شما بخل میکردید و اینها جهاد میکردند و شما می نشستید بیهقی از مجاهد
و ابی سلیمان در تفسیر قوله تعالی وَاِذَا رَاَيْتَ ثَمَّ رَاَيْتَ نَعِيْمًا وَّمُلْكًا كَبِيْرًا گفت که مراد از ملک کبیر
آنست که فرستاده رب العزت تحفها و لطفها برای آرد و بوی نرسد تا که اذن دخول طلب کند از حاجب
و آن حاجب از حاجب دیگر و همچنین پس اذن دهد ولی الله بدخول و هرگاه آن ولی خواهد بی اذن پروردگار خود مشرف شود
فقیر گوید ازین انجاست که حق تعالی اقرب است از حبل الورید و حجب غفلت درمیان نیست که حضور دائمی دارد

ف هرگاه نظر کنی در الحال بینی [illegible] ۱۲۰

فصل ترمذی و حاکم از بریده روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که اهل بهشت
یکصد و بیست صف باشند از انجمله هشتاد صف ازامت من و چهل از دیگر امم دیلمی و ابن عساکر
از جابر روایت کرده که مومنان هر جمعه زیارت حق تعالی کنند حق تعالی بفرماید که بخواهید از من
هر چه خواهند مردم بعلما رجوع کنند که چه چیز درخواست کنیم علما وجوه سوال آموزند پس مردم بعلما
در بهشت هم محتاج باشند و طبرانی و بیهقی و ترمذی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده
که اهل بهشت بر هیچ چیز حسرت نکنند مگر بر ساعتی که در دنیا دران ذکر خدا نکرده باشند ابن عساکر از
امیر المومنین علی رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که بوی بهشت به هزار ساله راه
میرسد و بوی بهشت عقوق کننده والدین را و قاطع رحم را و پیر زانی را و کسیکه از تکبر دامن دراز کند نرسد
فصل اهل بهشت در بهشت با برادران و یاران و دوستان ملاقاتها کنند و ماجراهای دنیا یاد کنند
بزار و بیهقی و غیرهما از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون بهشتیان
داخل بهشت شوند اشتیاق برادران کنند پس تخت یکی مقابل تخت دیگری آید و باهم سخن گویند
انچه در دنیا گذشته بود و اهل بهشت دوزخیان را هم به بینند و هرگاه بهشتیان خواهند با پیغمبران
و اصحاب درجات عالی ملاقات نمایند طبرانی و ابونعیم وغیره از عائشه رضی روایت کرده که مردی نزد
پیغمبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت یا رسول الله من ترا از جان خود و اهل و ولد خود دوست تر میدارم
و چون بخانه میروم بی تو صبر نمیتوانم کرد تا که بخدمت می آیم لیکن چون مردن خود و مردن تو خیال میکنم
می ترسم که تو در بهشت در مقام پیغمبران باشی و من اگر ببهشت رسم ترا نه بینم آن حضرت جواب نداد
تا که جبرئیل نازل شد و این آیت آورد وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ فَاُولٰٓئِكَ مَعَ الَّذِيْنَ
اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِّنَ النَّبِيّٖنَ وَالصِّدِّيْقِيْنَ الآية احمد و طبرانی از ابی هریره و معاذ
بن جبل رضی الله عنهما از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که هر که در بهشت شود یعنی در دنیا صغیر باشد
یا کبیر همه شان اجرد باشند یعنی بر تمام بدن شان موی نباشد و امرد باشند بی ریش و بعمر
سی و سه سال باشند یکسان نه کم نه زیاده در چشم سرمه کشیده و ابن ابی الدنیا از ابن عباس آورده

که در بهشت موسی علیه السلام را ریش باشد تا سینه و دیگری را نباشد و از کعب احبار مرویست
که آدم علیه السلام را ریش سیاه تا ناف باشد و دیگری را نباشد شاید که هر دو را باشد نه غیر آنها را
و ابن عدی از علی و جابر رضی الله عنهما روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که جمیع اهل بهشت
بنامهای شان گفته شوند مگر آدم علیه السلام را ابو محمد ابو احمد گفته شود صلی الله علیه وسلم و طبرانی
از ابن عباس آورده که زبان اهل بهشت عربی باشد و قرطبی گفته که چون مردم از قبور بر آیند زبان سریانی
باشد و در بهشت زبان عربی باشد و در صحیحین از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
روایت کرده که دیدم اکثر اهل جنت فقرا و اکثر اهل جهنم زنان و بزار از انس از آنحضرت صلی الله علیه
وسلم روایت کرده که اکثر اهل بهشت ابله باشند یعنی غافل از امور دنیا و آگاه از امور آخرت
و ذهبی گفته یعنی سینه صاف و خوش گمان و ازهری گفته غافل از شر و مسلم از ابی هریره از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که داخل بهشت شوند جماعتها که دلهای شان مثل دلهای پرندگان
باشد یعنی خائف و گریزان از اختلاط عوام و در صحیحین از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله
علیه وسلم مرویست که حق تعالی اهل بهشت را گوید که شما راضی شدید گویند چرا راضی نشویم که ما را نعمتها
دادی که کسی را از مخلوقات ندادی حق تعالی بفرماید آیا ندادهام شما را آنچه ازین همه افضل ست گویند
ازین افضل چه باشد فرماید که از شما راضی شدهام که گاهی ناراض نشوم

فصل بزرگترین نعمتهای بهشت دیدار خداست جل و علا روافض و خوارج و معتزله از آن انکار
دارند اهل سنت و جماعت بدان مهتدی شده اند حق تعالی میفرماید وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَىٰ
رَبِّهَا نَاظِرَةٌ و میفرماید لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ مراد از حسنی بهشت ست و از
زیاده دیدار حق تعالی تفسیر این آیت باین معنی از هر چهار خلفای راشدین و ابی بن کعب و کعب بن عجره
و ابن مردویه و انس و ابوهریره و ابو موسی اشعری و ابن عباس و ابن مسعود وغیره مرویست و رسول
فرمود صلی الله علیه وسلم قریبست که خواهید دید پروردگار خود را روز قیامت چنانچه می بینید ماه را
در شب چهاردهم در حالیکه هیچ حجاب درمیان نباشد یحیی بن سعید گفته که در رویت حق تعالی

بعضی روها دران روز تازه باشند و بسوی پروردگار خود نظر کننده ۱۲ آنان را از اینکه ... کردند حالت نزع باشد و زیادتی ان ۱۲

هفته حدیث صحیح وارد شده و اجماع امت بران منعقد گشته انکار آن کفرست ذکر احادیث رویت
بسیار طول دارد وقتیکه بدولت دیدار مشرف شوند جمیع نعمتهای بهشت از نظر ساقط گردد از بعض اخبار
مرویست که انچه در دنیا روز عید باشد مردم را بینند همچنانکه بهشت و خدارا به بینند یعنی در سالی
یکبار دو بار و در بعضی احادیث آمده که در هفته یکبار و شاید در حدیث سابق هم مراد از روز عید روز جمعه باشد
و در بعضی احادیث آمده در هر سحر روز یکبار و بیهقی از اعمش روایت کرده که بهترین اهل بهشت کسی باشد
که هر صبح و شام بیند و ابو نعیم از ابی یزید بسطامی رضی الله عنه روایت کرده که بندگان خاص حق تعالی
چنان باشند که اگر یک آن از رویت محجوب شوند فریاد کنند چنانچه دوزخیان برای خروج از دوزخ فریاد کنند
فائده از امیر المومنین علی رضی الله عنه مرویست که در تفسیر قوله تعالی فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ
رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا فرمود
هر که خواهد خدارا بیند باید که عمل صالح کند و کسی را بران آگاه نسازد و خبر نکند
فصل بعضی علما گفته اند که رویت حق تعالی مخصوص ببشرست ملائکه را نخواهد شد لیکن بیهقی ملائکه
را هم رویت اثبات کرده از عمرو بن عاص روایت کرده که حق تعالی ملائکه را پیدا کرده چندین صنف
همه شان همیشه در عبادت قائمند تا روز قیامت چون روز قیامت شود برانها حق تعالی تجلی کند پس
ببینند حق تعالی را و بگویند مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ و نیز از مروی از اصحاب از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که فرمود که حق تعالی را فرشتگان اند که از خوف خدا می لرزد شانهای
شان نیست ازانها فرشته که میریزد قطره آب از چشم مگر ازان قطره فرشته می آید که تسبیح میکند و دیگر
از فرشتگان از روزیکه پیدا شده اند در سجود اند سر از سجود بنه دارند تا روز قیامت و بعضی صنف ستند
استاده اند ازان حرکت نکرده تا روز قیامت چون روز قیامت شود حق تعالی تجلی کند و خدارا ببینند
گویند سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ كَمَا يَنْبَغِي یعنی پاکیست مر ترا عبادت نکردیم ترا چنانچه شاید
فصل کفار از جن و انس در دوزخ باشند باتفاق و در مومنان از جن علمارا اختلافست بعضی گویند
ایشان را دخول بهشت نیست معدوم شوند چنانچه ابو الشیخ از انس بن سلیم آورده که گفت مسلمانان

یعنی هر که امید دارد ملاقات پروردگار خود را باید که بکند کار نیک و شریک نکند در عبادت